

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

## ضمیمهٔ دین و زندگی (۲)

تمامی رشته‌ها - ویژهٔ اهل سنت

اجرای آزمایشی

پایهٔ یازدهم

دورهٔ دوم متوسطه



وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:  
پدیدآورنده:  
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:  
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:  
مدیریت آماده‌سازی هنری:  
شناسه افزوده آماده‌سازی:  
نشانی سازمان:  
ناشر:  
چاپخانه:  
سال انتشار و نوبت چاپ:

ضمیمهٔ دین و زندگی (۲) (ویژهٔ اهل سنت) (اجرای آزمایشی) - پایهٔ یازدهم دورهٔ دوم متوسطه - ۱۱۱۳۳۸  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری  
حیدر الماسی، بهیه محمدی و عبدالله یعقوبی (اعضای گروه تألیف) - افسانه حجتی طباطبائی (ویراستار)  
ادارهٔ کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی  
احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - مریم نصرتی (صفحه‌آرا) - فاطمه باقری مهر، آذر روستایی فیروزآباد، حسین قاسم‌پور اقدم، زینت بهشتی شیرازی و راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)  
تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)  
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹  
وبگاه: [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir) و [www.irtextbook.ir](http://www.irtextbook.ir)  
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جادهٔ مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)  
تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹  
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»  
چاپ اول ۱۳۹۸

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۴۱۰-۶

ISBN: 978-964-05-3410-6



در جمهوری اسلامی، همه برادران سنی و شیعه، در کنار هم و با هم برادر و در حقوق، مساوی هستند؛ هر کس خلاف این را تبلیغ کرد، دشمن اسلام و ایران است.

امام خمینی قَدْ سَمِعْتُهُ

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است. هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی، ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



## فهرست



- ۱ درس اوّل : خلافت اسلامی پس از رسول خدا ﷺ
- ۷ درس دوم : شورا و خلافت اسلامی
- ۱۵ درس سوم : خُلفای راشدین
- ۲۶ درس چهارم : گستره و انشعابات علوم اسلامی پس از خلفای راشدین
- ۳۰ درس پنجم : احکام و فقه اسلامی (تخصصی برای علوم انسانی)
- ۴۵ درس ششم : اُمت واحده و بصیرت دینی
- ۵۲ درس هفتم : زمینه‌های تفرقه و جدایی مسلمانان (تخصصی برای علوم انسانی)
- ۶۲ درس هشتم : زندگی در پرتو اخلاق اسلامی

## سخنی با دبیران و دانش‌آموزان

دبیران و دانش‌آموزان عزیز،

کتابی که در دست دارید شامل مطالب ضروری مربوط به اصول و فروع دین از دیدگاه علما و فقهای اهل سنت و احکام ویژه این مذهب است. مطالب این کتاب، به جای بخش‌های اختصاصی کتاب‌های دین و زندگی، به دانش‌آموزان اهل سنت تدریس می‌شود. در کشور اسلامی ما گروهی از دانش‌آموزان اهل تسنن در احکام و فروع دین پیرو مذهب امام ابوحنیفه و گروهی دیگر پیرو مذهب امام شافعی هستند؛ از این رو، در کتاب درسی در موارد اختلاف، احکام بر مبنای نظرات فقهای هر دو مذهب بیان شده است. در اینجا نکته قابل توجه این است که اختلاف نظر مجتهدان و ائمه مذاهب در مسائل فرعی و احکام، هرگز نباید موجب تفرقه میان مسلمانان و جدایی آنها شود. اختلاف نظر علمی و بحث‌های بدون تعصب و تنگ‌نظری برای روشن شدن حقیقت، نیکو و پسندیده است. علما و روشنگران دینی باید بدون توجه به وسوسه‌های دشمنان اسلام و سخنان متعصبان جاهل، با وسعت دید و سعه صدر به قرآن مراجعه، و درگیری‌های خود را با توجه به قرآن و سنت رسول الله ﷺ حل کنند.

### نگاهی همراه با وداع

انس ابن مالک رضی الله عنه می گوید :

روزِ چهارم بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله، نماز جماعت صبح به امامت ابوبکر صدیق رضی الله عنه برپا گردید؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله پرده آن در را، که از منزلشان به مسجد باز می شد، کنار زد؛ به صفوف نمازگزاران نگاه کرد و با تبسمی شیرین پرده را انداخت. سپس، به مسجد آمد و به ابوبکر صدیق اقتدا کرد. این آخرین باری بود که مسلمانان، رسول الله را در مسجد دیدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز صف نمازگزاران را دید؛ گویی با نگاه پرمهرش با مسلمانان خدا حافظی می کرد. پس از این دیدار، آن بزرگوار در آخرین لحظات عمرش از شدت تب چهره مبارکش را با آب خیس می کرد و می فرمود : «لا اله الا الله، به راستی مرگ را سختی هایی است». سرانجام، روح مبارک پیامبرِ مهربانی ها از بدنشان خارج شد و ایشان در چاشتگاه روز دوشنبه ۱۲ ربیع الاول سال یازدهم هجری وفات یافت. وقتی خبر وفات پیامبر رحمت منتشر شد، در همان ساعات اولیه مردم در مورد انتخاب جانشین او شروع به رایزنی و مشاوره کردند. بی شک، اولویت دادن به انتخاب جانشین برای رهبری جامعه

مسلمین قبل از خاک‌سپاری پیامبر مهر و عدالت، گامی بزرگ و مهم و اقدامی پیشرفته بود که اهمیت حکومت اسلامی و وجود حاکم برای اداره امور مردم را در قالب رأی جمعی صحابه نشان می‌داد و بر این نکته تأکید داشت که جامعه نباید لحظه‌ای از حاکم و حکومت خالی باشد؛<sup>۱</sup> چون بنا به فرموده خداوند در قرآن کریم، اطاعت از حاکم اسلامی لازم و ضروری است.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید،  
و از پیامبر پیروی کرده  
و صاحبان امرتان را [که از خود شما هستند] اطاعت نمایید  
و اگر در چیزی اختلاف کنید  
آن را به خدا و پیامبر بازگردانید [یعنی به قرآن و سنت مراجعه کنید]  
اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید.  
این [کار] برای شما بهتر است  
و سرانجام نیکوتری دارد.  
آیا اندیشه و نگاه نکرده‌ای به کسانی که گمان می‌کنند  
به آنچه بر تو نازل شده  
و همچنین به آنچه پیش از تو نازل گشته ایمان دارند؟  
اینها در عین این گمان می‌خواهند داوری اختلاف‌هایشان را  
به سرکشان عرضه کنند؛  
در حالی که به آنها امر شده که طاغوت را انکار کنند  
و این در حالی است که شیطان می‌خواهد  
آنها را به گمراهی دور و درازی بکشاند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ  
وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ  
وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ  
فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ  
فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ  
إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ  
ذَلِكَ خَيْرٌ  
وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا (نساء، ۵۹)  
أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا  
بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ  
وَ مَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ  
يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ  
وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ  
وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ  
أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (نساء، ۶۰)

۱- خلفاء الراشدين من الخلافة الى الشهادة، اثر صلاح عبدالفتاح الخالدی و همچنین از کتاب‌های منبع به صحیح بخاری ۲۵۶، ۴۴۹

و ۴۴۵ مراجعه شود.



- در آیات ۵۹ و ۶۰ سوره نساء تدبّر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.
- ۱- با توجه به آیه ۵۹ چرا بعد از نام خدا و پیامبر ﷺ، نام اُولی الامر ذکر شده است؟
  - ۲- در آیه ۶۰ منظور از کلمه «طاغوت» چیست؟
  - ۳- با تدبّر در دو آیه مورد نظر، بنویسید کدام واژگان آنها به مسئله خلافت اشاره دارد.
  - ۴- تحقیق کنید که «اولوالامر» در کتب تفسیر چگونه تعریف شده است.
  - ۵- تحقیق کنید که دلیل آوردن (منکم) بعد از اُولی الامر، چیست؟

گاهی سؤال می‌شود که آیا پس از رسول خدا ﷺ نیازی به حکومت اسلامی هست و آیا بدون وجود حکومت، احکام خداوند اجرا می‌شود؟

در جواب می‌گوییم: بله؛ با توجه به این امر مهم که دین در پی تأمین سعادت فرد و جامعه برای تمام عمر بشریت در این کره خاکی است و نظر به اینکه مقاصد و اهداف شریعت با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند، می‌توان مهم‌ترین دلایل تشکیل حکومت اسلامی پس از رحلت پیامبر ﷺ را این‌گونه خلاصه کرد:

### ۱- اجرای احکام الهی

بدون تردید، عملی کردن احکام اجتماعی اسلام و اجرای دستورهای خداوند بدون تشکیل حکومت امکان‌پذیر نیست. رسول‌الله ﷺ همان‌طور که برای اقامه نماز و زکات تلاش می‌کرد، حکومت اسلامی را نیز تشکیل داد تا در سایه حکومتی مشروع به اهداف دین خدا جنبه عملی دهد و آنها را از حالت آرزو و فکر به مرحله عمل و اجرا در آورد. روشن است که بعد از ایشان هم احکام الهی باید اجرا شوند تا جاودانگی این راه پاک به شکل عملی تحقق پذیرد.

امروزه در غرب آزادی‌هایی به نام آزادی فردی چنان مقبولیت یافته‌اند که امنیت اجتماعی به خطر افتاده است. احکام فردی می‌تواند شامل چنین مواردی شود؛ مثلاً مستی، در ابتدا می‌تواند فقط حکمی فردی به حساب آید اما وقتی عریه‌کشی و بسیاری پیامدهای ناخوشایند دیگر دارد، از حالت حکم فردی خارج می‌شود. اعتیاد به مواد مخدر و اقدام به خودکشی یا خودآزاری هم می‌توانند از مصادیق و موارد احکام فردی باشند. در اسلام این‌گونه مسائل حتی در صورت فردی، روا نیستند و در صورت ارتباط با حقوق دیگران، بیشتر منع می‌شوند.

می‌دانیم که دین اسلام مجموعه‌ای از احکام فردی و اجتماعی را در خود دارد و این احکام (به‌خصوص نوع اجتماعی آنها) بدون وجود حکومت، امکان اجرا ندارد. پرداخت زکات، رسیدن به

حقوق خانوادگی و مالی مردم و نیز جلوگیری از جرم و جنایت و مجازات متجاوزان به حقوق انسان‌ها و برخورد صحیح با دزدان و اختلاسگران و... همه و همه به اقتدار نیاز دارد. برقراری این اقتدار برعهده حکومت است. حکومت اسلامی با محتوا و ساختار مطلوبش، بهتر می‌تواند این نیازهای انسانی را برطرف کند.

## ۲- تحقق اهداف والای اسلام در چارچوب قانون

اهداف والای اسلام، مثل عدالت و ترویج خیر و خوبی و جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی، اجرای احکام قضایی، اقتصادی و سیاسی به قانون نیازمند است. از طرف دیگر، قانون هم ادله و پشتوانهٔ موجهی می‌خواهد و همهٔ اینها به تکیه‌گاه محکمی نیاز دارد. این تکیه‌گاه محکم همان خلافت اسلامی است که با شورا و نظارت مردمی، دین خدا را به گونه‌ای مطلوب اجرا می‌کند.

## ۳- خوشبختی و خشنودی همگان

حکومت دینی یک ویژگی دارد که با آن می‌تواند ناهنجاری‌های اجتماعی را بهتر از سایر حکومت‌ها اصلاح کند و اوضاع را سر و سامان دهد. این ویژگی، تلاش برای تطبیق و اجرای دین است. خداوند رحمتی عمومی نسبت به تمام بندگان دارد و همه را به خیر و صلاح و سعادت دعوت می‌کند. گروهی این دعوت عمومی را می‌پذیرند و گروهی پذیرای آن نمی‌شوند، اما منتقدان و مخالفان دین هم می‌بینند که حقوقشان به بهترین وجه داده می‌شود. بنابراین، معتقدان با جان و دل و از سر ایمان حکومت را تقویت می‌کنند و غیر معتقدان هم با دیدن عدالت همگانی و سعادت جمعی، مجذوب حکومت اسلامی می‌شوند.

### بیشتر بدانیم

عدالت یکی از نیازهای انسان است و انسان‌ها با تمام وجود به وسیلهٔ عدالت آرامش می‌یابند و در سایهٔ آن به آسایش می‌رسند. انسان‌هایی که درونی سالم و فکری پاک دارند، نه تنها اجرای عدالت را در حق خودشان دوست دارند بلکه عملی شدن آن را در حق دیگران نیز ضروری می‌دانند اما افرادی که اخلاق پسندیده ندارند، ممکن است در هر فرصتی برای جلب منافع شخصی، حقوق دیگران را ضایع کنند. آخرین دورهٔ حضور رسولان الهی (دورهٔ ۲۳ ساله رسالت پیامبر) به علت وجود شخص پیامبر و صحابهٔ بزرگوارش، زمان اوج عدالت‌خواهی و دادپروری انسان بوده است. قطعاً این به آن معنا نیست که با مرگ پیامبر و صحابه‌اش انسان به سعادت و عدالت نیاز ندارد. پابندی به قوانین عادلانه نیاز همیشگی بشر است و قدرت و اقتدار لازمهٔ پابندی به عدل و داد است. البته صرف اعتقاد به عدالت کارساز نیست بلکه این مجریان عدالت‌اند که از آن دفاع می‌کنند و آن را به اجرا در می‌آورند و اینجاست که وجود حکومت اسلامی الزامی می‌نماید.

## ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در جهان امروز

امروزه حکومت‌ها بر مردم تأثیرات عمده‌ای دارند. حکومت‌های لاییک مردم را از نیازهای ایمانی و روحی انسان دور می‌کنند و حکومت‌های سرمایه‌داری برای جلب بیشتر سرمایه و پول گاهی مرزهای اخلاقی را زیر پا می‌گذارند و با بی‌توجهی به انسانیت و اخلاق و دین، عملاً جنبه روحی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارند. ممکن است گفته شود که بسیاری از حکومت‌های لاییک و یا سرمایه‌دار در رفع نیازهای مادی مردم موفق‌اند. ما منکر این واقعیت نیستیم اما سخن این است که انسان مانند نمایشگاهی بسیار بزرگ است که بخش جسمی و مادی قسمت ورودی این نمایشگاه بزرگ است، (بنابراین باید رفاه مادی تأمین شود) اما بخش مهم نمایشگاه وجودی انسان، فهم گسترده او از خود و هستی و درک ایمان، عبادت و عرفان است. بنابراین، حکومت اسلامی باید ضمن تأمین رفاه مردم، زمینه شکوفایی بُعد روحانی و معنوی آنان را فراهم کند و آنچه را مربوط به حکومت‌هاست، سروسامان دهد و از آنها حمایت نماید. علاوه بر این، امروزه مسلمانان در صحنه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با مسائل جدیدی چون استفاده از اینترنت و شبکه‌های مجازی، نحوه ارتباط با کشورهای مختلف و نظام‌های سیاسی آنها، ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی، پیوند اعضا و ده‌ها مسئله نوظهور دیگر روبه‌رو هستند. رهبران حکومت اسلامی باید بر مبنای اسلام و با مراجعه به قرآن و سنت، این مسائل جدید را حل و فصل کنند؛ به گونه‌ای که برطرف‌کننده نیازهای جدید همه طبقات مختلف انسانی باشند.

### بیشتر بدانیم

باید دانست که برخی از مسائلی که امروزه با آن مواجهیم به گونه‌ای با اعتقادات دینی در ارتباط است و نباید آنها را فقط امری علمی تلقی کرد. از جمله این مسائل می‌توان به قضیه پیوند اعضا اشاره کرد. حکم فقهی پیوند اعضا:

شاید کم نباشند افرادی که پیوند اعضای فرد میت را به انسان زنده‌ای که نیازمند است، ناروا می‌دانند. حتی افراد زیادی هم هستند که پیوند اعضای فرد زنده را هم درست نمی‌دانند اما این امر پس از آنکه مجتهدان آن را مورد بررسی فقهی قرار داده‌اند، پذیرفته شده است.<sup>۱</sup> فقها در این مورد این‌گونه استدلال کرده‌اند:

۱- قرآن در سوره مائده کشتن ناحق یک انسان را به مثابه کشتن کل انسان‌ها می‌داند و در مقابل، زنده کردن یک انسان را زنده کردن تمام انسان‌ها می‌داند.<sup>۲</sup>

۱- البته به شرط اینکه میت خود قبلاً به این کار اجازه داده باشد یا در موارد ضروری خانواده‌اش رضایت خود را اعلام کنند.

۲- سوره مائده، آیه ۳۲: ... وَ مَن أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ...؛ و هرکس موجب زنده شدن کسی گردد، گویی تمام مردم را زنده

- ۲- بنای اسلام رفع سختی از زندگی انسان‌ها (به روش صحیح و شرعی) است (فقها این هدف والای دینی را رفع حَرَج می‌نامند).
- در صورت ممنوع دانستن پیوند اعضا، حَرَج و سختی را در زندگی انسان‌ها روا دانسته‌ایم و این با اهداف و مقاصد شریعت سازگار نیست.
- ۳- در نهایت، فقها براساس قاعده اضطرار<sup>۱</sup>، پیوند عضو از مرده به زنده یا زنده به زنده را روا و جایز دانسته‌اند.

### پاسخ به سؤالات شما

استفاده ما از شبکه‌های اجتماعی و اینترنت چه حکمی دارد؟

بنا به نظر علمای معاصر، هر چه که در دنیای واقعی حرام است در دنیای مجازی نیز حرام است و استفاده و دیدن هر چه که در دنیای واقعی حلال است، در دنیای مجازی نیز حلال است.<sup>۲</sup>

### دانش تکمیلی

با دوستان خود مشورت کنید و ویژگی‌های دیگری را که برای حکومت اسلامی لازم است، مشخص نمایید.

### اندیشه و تحقیق

- ۱- در آیه ۸۳ سوره نساء تفکر کنید و نکاتی را که درباره اولوالأمر به دست می‌آورید، استخراج کنید.
- ۲- از آیه‌های ۱۰۵ سوره نساء و ۴۸ سوره مائده چگونه می‌توان لزوم تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر را استدلال کرد؟

۱- قاعده اضطرار یکی از قواعد مهم فقه اسلامی است. اصل قاعده این گونه است: الضرورات تبيح المحظورات؛ یعنی ضرورت‌ها و تنگناها امور نهی شده را روا می‌کنند. این قاعده از چند آیه و حدیث گرفته شده و خلاصه آن این است که گاهی نیاز و ضرورتی حیاتی یا مهم موجب می‌شود کاری که در شرایط عادی ممنوع است، روا گردد. خوردن گوشت حرام توسط فرد گرسنه‌ای که نزدیک به مرگ است، یکی از مصادیق این قاعده می‌باشد.

۲- به قول فقهای معاصر، كُلُّ مَا لَظَرَ عَلَيْهِ فِي الْوَاقِعِ حَرَامٌ فَالْظَّنُّ إِلَيْهِ عَلَى شَأْنِهِ الْتِفَازٌ وَمَا شَابَهَا حَرَامٌ وَبِالْعَكْسِ.

در درس گذشته شما را با ضرورت تشکیل حکومت اسلامی پس از رسول الله ﷺ آشنا کردیم. در این درس می‌خواهیم چگونگی انتخاب خلیفه پس از پیامبر خدا را مورد بررسی قرار دهیم.

خدای علیم و حکیم به پیامبر دانایش امر کرد که با یاران مخلص و وفادار خود مشورت کند. این نشان می‌دهد که دین دوست داشتنی ما با مشورت و توجه به رأی و فکر افراد عجین شده است؛ چون یکی از نعمت‌های با ارزش خداوند، نعمت عقل است و عقل چراغ راه مؤمن است. مؤمن با این چراغ فروزان در مسیر زندگی پاک خود پیش می‌رود و با اخلاص و مداومت در آن به انتهای راه (بهشت) می‌رسد.

## شورا و جایگاه آن

شورا بر وزن فعلی، از ریشه شور، در لغت به دو معنا آمده است؛ اول یعنی کالا و متاعی که آشکار است و دوم به معنای برداشت عسل از کندو و محل آن، و در اصطلاح، کاری جمعی است که در آن اعضا در فکر انتخاب و برداشت نظر بهتر هستند؛ نظری که اکثریت، بر بهتر بودن آن اتفاق نظر دارند. استفاده از شورا، تصمیم را بی عیب و نقص می‌کند و مانع اعمال نظرات فردی می‌شود. شورا نوعی مشارکت جمعی است که در آن افراد صاحب نظر و خیرخواه با دقت و اخلاص در پی تصمیم‌گیری صحیح و انتخاب رأی برتر برای رفع نیازها و البته حل مشکلات هستند.

مشورت، ادراک و هشیاری دهد عقل‌ها مر عقل را یاری دهد

گفت پیغمبر بکن ای رایزن مشورت، کالمستشار مؤتمن<sup>۱</sup>

قرآن کریم بر اصل شورا تأکید کرده است و خطاب به پیامبر اکرم می‌فرماید:

فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ (پیامبر) رحمت خداوند بود که با آنها [صحابه و سایر مخاطبان]

نرم خوشدی

و اگر درشت خوی سخت دل بودی،

دیگران از اطرافت پراکنده می‌شدند.

بنابراین، [اکنون هم] آنان را ببخش

و برایشان آمرزش طلب کن

و در کارها با آنها مشورت کن

و وقتی هم که تصمیم می‌گیری، بر خدا توکل کن.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران، ۱۵۹) چون قطعاً خداوند توکل‌کنندگان را دوست دارد.

وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ

لَافْتَضُوا مِنْ حَوْلِكَ

فَاعْفُ عَنْهُمْ

وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ

وَسَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ

فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

### تدبّر در قرآن

۱- در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران بیندیشید و نکاتی را که درباره رابطه حاکم اسلامی با مردم

است، استخراج کنید.

۲- حکمت امر کردن پیامبر به پرداختن به شورا و مشورت را بیان کنید.

۱- المستشار مؤتمن: حدیث نبوی است، یعنی هر که را مورد مشورت قرار می‌دهند، به او اعتماد می‌کنند. دو بیت بالا در مثنوی معنوی

دفتر اول ذکر شد و حدیث «المستشار مؤتمن» در سنن الترمذی، سنن ابن ماجه و سنن دارمی و مسند امام احمد آمده و صحیح است.

البته آنجا که نص صریح قرآن یا حدیث وجود دارد، مشورت لازم نیست؛ مگر اینکه در کیفیت اجرا به مشورت نیاز باشد. برای مثال، اتفاق در راه خدا با نصوص قرآنی ثابت است اما کیفیت اتفاق می‌تواند با توجه به زمان و مکان و افراد تغییر کند؛ چنین است نظرخواهی پیامبر در موضوع کیفیت برخورد با مشرکان در جنگ احزاب و پذیرش مشورت سلمان فارسی رضی الله عنه در حفر خندق<sup>۱</sup>.

یکی از سوره‌های قرآن کریم «شوری» نام دارد. در این سوره، بعد از بیان چند ویژگی مؤمنان و مجاهدان و خصوصیات قلبی و عملی آنها، به امر شورا تصریح شده است. ذکر شورا به عنوان یکی از صفات اصلی جامعه اسلامی (یعنی اقامه نماز و ادای زکات) و همچنین آمدن کلمه «امر» به صورت مطلق نیز در آیه زیر قابل توجه است.

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ  
وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ  
وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ  
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ<sup>۲</sup> (شوری، ۳۸) و از آنچه که به آنها روزی داده‌ایم، پیوسته اتفاق می‌کنند.  
و (مؤمنان) کسانی هستند که به (ندای) پروردگارشان پاسخ (مثبت) می‌دهند  
و نماز بر پا می‌کنند  
و کارشان در میانشان (براساس) مشورت است

## تدبّر در قرآن

با تدبّر در آیه ۳۸ سوره شوری، بگویید چرا مشورت کردن میان دو واجب «نماز» و «اتفاق»<sup>۳</sup> ذکر شده است؟

توجه کنید که شورا، اصلی ثابت و تغییرناپذیر است اما از نظر وضع ظاهر، پیوسته دگرگون می‌شود و تنها کاردانان و اهل بصیرت مجازند که کیفیت آن را تغییر دهند.

۱- حدیث مشهور (مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُقْصَ مِنْ أَجْرِهَا شَيْءٌ). که امام مسلم آن را روایت می‌کند، مستند علمای اسلامی برای اثبات این موضوع است (صحیح مسلم ۱۰۱۷)؛ این حدیث را در کتاب‌های سنن ابن ماجه، النسائی، سنن الترمذی، سنن الدارمی و مسند امام احمد هم می‌یابیم، ضمناً این حدیث صحیح است.

۲- همچنین توجه به این نکته لازم است که در آیات ۳۹-۳۶ شوری چند ویژگی از ویژگی‌های مؤمنان ذکر شده است اما در اینجا یعنی آیه ۳۸ از چهار ویژگی پذیرش دین خدا، اقامه نماز، شورایی بودن کارها و اتفاق نام برده شده است.

۳- توجه کنید که اتفاق لفظی عام و کلی است و اتفاق واجب و مستحب را شامل می‌شود. اتفاق واجب همان زکات مال و زکات بدن (فطر) و کفاره‌های مالی است و اتفاق سنت یا مستحب، سایر بخشش‌هایی است که مؤمن به مستحقان روا می‌دارد.

## عضویت در شورا

عموم مؤمنان و مسلمانان حق عضویت در شورا را دارند و بر همین اساس و در چارچوب قوانین و مقررات اسلامی طرف مشورت قرار می‌گیرند، اما چون اجتماع و نظرخواهی همه مردم همواره ممکن نیست، از گذشته روش‌های مختلفی برای شورا به کار گرفته شده است و طبعاً هنوز هم به کار می‌رود. مثلاً مردم افرادی را که در میان آنان به صداقت، امانت‌داری و تقوا و علم مشهورند، به عنوان نماینده انتخاب می‌کنند تا در مسائل خاص اظهارنظر و تصمیم‌گیری کنند. شرط اصلی چنین انتخاب‌هایی، آگاهی و آزادی انتخاب‌کنندگان است تا بدون اغفال و سوء استفاده افراد ناباب و در آزادی کامل، فرد مناسب و مورد نظر خود را انتخاب کنند.

### نمونه‌یابی

امروزه نمونه‌های مختلفی از شورا را در شهر و حتی محیط آموزشی می‌بینیم. چند مورد از آنها را نام ببرید و توضیح دهید که در هر کدام درباره چه مسائلی مشورت می‌شود.

بنا بر آنچه گذشت، حکومت پس از رسول خدا ﷺ به شکل خلافت و شورایی ادامه پیدا کرد. در اینجا به شرح خلافت و چگونگی انتخاب و ادامه آن می‌پردازیم. خلفای راشدین برگزیدگانی از صحابه بزرگ پیامبر ﷺ بوده‌اند که با تکیه بر نظام شورایی خلافت، نظامی عادل و شریف را به امت اسلامی و بلکه به جهانیان تقدیم کرده‌اند.

## خلافت

خلافت به معنای جانشینی است. کسی که پس از رسول الله ﷺ عهده‌دار حکومت اسلامی می‌شود خلیفه نام دارد؛ چون ادامه‌دهنده راه رسول الله ﷺ است و پس از آن بزرگوار، اجرای دین و احکام الهی را در جامعه بر عهده دارد. نظام مبتنی بر شورا (که در صدر آن خلیفه قرار دارد) خلافت نامیده می‌شود. براساس حکم قرآن و سنت، پیروی از خلیفه و به دنبال آن گردن نهادن به نظام خلافت، واجب است؛ البته در صورتی که حکم خلیفه و نظام خلافت اسلامی براساس قرآن و سنت باشد. توجه به این نکته لازم است که خلیفه خود یکی از اعضای شورای خلافت است و عنوان خلیفه نباید دستاویزی برای خودمحوری او شود.



## راه انتخاب خلیفه

خلیفه از طرف مردم یا نخبگان آنها، که نام دیگر آن شورای حلّ و عقد است، انتخاب می‌شود. مردم با خلیفه برگزیده بیعت می‌کنند و به فرمان‌هایش عمل می‌نمایند. عنوان خلیفه در مورد کسی که بدون نظر و رأی شورای امت، قدرت را به دست بگیرد، به کار نمی‌رود؛ بلکه عناوینی مانند شاه، سلطان و دیکتاتور در مورد او صدق می‌کند. چنین حکومتی در اسلام جایگاهی ندارد و از ارزش و اعتبار برخوردار نیست. با توجه به توصیف قرآن از جامعه ایمانی، شاخصه اصلی حکومت اسلامی شورایی بودن آن است. به همین سبب، محور تعیین اولوالأمر، شورا است اما کیفیت شورا (همان‌گونه که گذشت) بنا به شرایط و حالات، متفاوت است و تغییر می‌کند.

### مهم‌ترین شرایط لازم برای خلیفه

چون خلافت با دین خدا و سرنوشت مردم ارتباط اساسی و تنگاتنگ دارد، هر کسی توانایی و لیاقت پذیرفتن چنین مسئولیتی را ندارد. مهم‌ترین شرایط لازم برای خلیفه شدن، موارد زیر است:

۱- خلیفه باید مسلمان و مؤمن باشد؛ چون غیر مؤمن نباید بر مقدرات مؤمنان سیطره و حکومت پیدا کند. این شرط نباید ستم به غیرمسلمانان تلقی شود؛ چون همان‌گونه که گفتیم، حق کامل این افراد در تمام زوایای زندگی محفوظ است و آنچه مانع خلیفه شدن آنهاست، بنای اسلامی خلافت است که باید توسط شخص مسلمان اداره شود.

۲- خلیفه باید عالم به دین باشد و بتواند با قدرت اجتهاد و استنباط، احکام دین را از منابع اسلامی استخراج کند و پاسخ مسائل جدیدی را که در دنیای امروز مطرح می‌شود، با مراجعه به کتاب و سنت به دست آورد.<sup>۱</sup> البته این شرط به آن معنا نیست که همه اجتهادات توسط خود شخص خلیفه صورت می‌گیرد.

این مهم از آیه ۸۳ سوره نساء فهم می‌شود:

«وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا»؛

«و هنگامی که خبری از موجبات ترس و نترسیدن به آنها می‌رسد، [بدون تحقیق] آن را شایع می‌سازند؛ در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان و فرمانده‌هایشان (که قدرت تشخیص کافی دارند) باز گردانند، کسانی که اهل استنباط و فهم مسائل هستند، (چاره آن مشکلات را) می‌فهمند و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، (جز عده کمی) همگی از شیطان پیروی می‌کردید [و گمراه می‌شدید]». نساء، ۸۳

۱- باز هم توجه کنیم که این ویژگی بی‌حرمتی به غیر علما نیست؛ چون لازمه ساختار خلافت و کنترل آن علم و آگاهی است.

در این آیه، خداوند از افرادی که اخبار مختلف را بدون صلاح‌دید پیامبر ﷺ و آگاهان امت و طبعاً بدون ملاحظهٔ مصلحت پخش می‌کنند، انتقاد می‌کند و پرداختن به چنین موضوعاتی را به مطرح کردن آنها در محضر پیامبر ﷺ و صاحب نظرانی موکول می‌نماید که می‌توانند مطالب را از قرآن استنباط کنند.

۳- خلیفه باید متقی و به خصوص عادل باشد و براساس عدالت بر مردم حکومت کند؛ طوری که از اقتدارش سوءاستفاده نکند و از تبعیض و ستم دوری نماید. او باید با ظلم در تمام اشکال قومی، طبقاتی و مذهبی مبارزه کند؛ زیرا همانند تمام حکومت‌ها، در گسترهٔ حکومت اسلامی ترکیبی از مردمانی زندگی می‌کنند که دارای قومیت‌ها، مذاهب و مشاغل متفاوت‌اند. در ضمن، افراد پیر و ناتوانی هم وجود دارند که قادر به کسب درآمد نیستند و نمی‌توانند نیاز معیشتی خود را برطرف کنند. وجود این طبقات، به‌ویژه طبقهٔ اخیر، نیاز به تقوا و عدالت را در خلیفه لازم و ضروری می‌نماید.<sup>۱</sup>

## اهداف خلافت اسلامی

خلافت اسلامی، به عنوان حکومتی پاک و نمونه، در پی رسیدن به اهدافی والاست. در اینجا به دو هدف از این اهداف والا اشاره می‌کنیم:

۱- تبیین، تبلیغ و پیاده کردن صحیح دین؛

۲- برقراری نظم اجتماعی و ایجاد رفاه عمومی.<sup>۲</sup>

سه راهکار مهم برای رسیدن به اهداف خلافت اسلامی

نظام خلافت برای تحقق اهداف والای خود باید با استفاده از راهکارهای شرعی و مردمی، اقدامات زیر را انجام دهد:

۱- با مردم (به خصوص اهل نظر و علم و دانش) مشورت کند و از نظرات آنها بهره‌برد؛

۲- مردمی باشد و مانند آنان زندگی کند؛

۳- بر کارگزاران حکومتی و عملکرد آنها نظارت کند.<sup>۳</sup>

۱- گرچه در اصطلاح اهل علم به کسی هم که از گناهان کبیره دوری می‌کند و به فضایل اخلاقی آراسته و مقبولیت تقوایی دارد عادل می‌گویند.

۲- البته روش عملی حکومت خلفای راشدین نشان می‌داد که آن بزرگواران تمام همتشان مصروف این بود که ابتدا تمامی آحاد مردم را از فقر نجات دهند و برای همگان رفاه عمومی را فراهم کنند و سپس دین را در زندگی فردی و اجتماعی مردم احیا نمایند.

۳- کارگزاران همان مدیران و مسئولان جامعه‌اند که قوای قانون‌گذاری و اجرایی و قضایی را تشکیل می‌دهند.

۴- محاکمهٔ پسر کارگزار مصر در زمان امیرالمؤمنین عمر و قصاص گرفتن از او یکی از زیباترین مصادیق این بند است.

## نقش مردم در حکومت اسلامی

پایه‌های حکومت اسلامی بر پذیرش مردم استوار است؛ لذا هرگاه مردم به توحید و نبوت رسول الله ﷺ ایمان بیاورند، خود به خود جامعه اسلامی تشکیل می‌شود و تشکیل جامعه اسلامی مقدمه تشکیل خلافت اسلامی است. به همین جهت، لازمه اقتدار حاکم اسلامی مقبولیت از جانب مردم است. در این صورت، خلیفه می‌تواند برنامه‌های خود را به اجرا درآورد و مردم را در جهت اهداف ایمانی به فعالیت و کار و تلاش، تشویق کند. اگر خلیفه مورد قبول مردم نباشد، حکومت به سمت استبداد حرکت خواهد کرد و از مردم جدا خواهد شد و در مواقع سخت، مردم از آن پشتیبانی نخواهند کرد. بنابراین، باید همواره رابطه‌ای عاطفی میان حاکم جامعه اسلامی و مردم وجود داشته باشد تا مردم، حاکم را از خود بدانند و از او حمایت کنند<sup>۱</sup>.

## تعامل حکومت اسلامی با دیگر حکومت‌ها

حکومت اسلامی رابطه خود را با سایر حکومت‌ها براساس موازین اسلامی تنظیم می‌کند. بر این اساس، با کشورهایی که روابط عادلانه متقابل را رعایت کنند، رابطه حسنه و مسالمت آمیز برقرار می‌کند و در مقابل، در برابر کشورهایی که بخواهند به سرزمین اسلامی یا منافع آن تجاوز نمایند، محکم و با شجاعت می‌ایستد و مقابله می‌کند و به هیچ حکومتی اجازه نفوذ و دخالت در چارچوب حکومت اسلامی را نمی‌دهد.

### بیشتر بدانیم

#### رابطه متقابل مردم با خلیفه مسلمانان

نظام اسلامی همان‌طور که بدون خواست و پذیرش مردم شکل نمی‌گیرد، بدون دخالت و حمایت مردم نیز تداوم نمی‌یابد. و مردم باید برای دوام و رشد و پیشرفت آن در همه ابعاد زندگی تلاش کنند. آنان حتی وظیفه دارند به خلیفه و کارگزاران او نصیحت کنند و با تذکرات خود، آنها را در مسئولیت‌هایشان یاری دهند و مشاورانی دلسوز برای آنان باشند. خلیفه و امام مسلمانان نیز باید نسبت به همه مردم مهربان باشد، راه استبداد را در پیش نگیرد، با مسلمانان مشورت کند و بداند که خداوند بر او حاکم و ناظر است. خلیفه باید عدل را، که مهم‌ترین وظیفه حکومت است، در جامعه گسترش دهد و میان مردم بر اساس عدل و داد حاکمیت کند.

۱- سعدی شیرین سخن در این باره می‌گوید :

درخت، ای پسر، باشد از بیخ سخت  
وگر می‌کُنی، می‌کُنی بیخ خویش

رعیت چو بیخ‌اند و سلطان درخت  
مکن تا توانی دل خلق ریش

باید رضایت عمومی را بر رضایت خواص و نزدیکان ترجیح دهد، با افراد شجاع مشورت کند، نیکوکار را تشویق و بدکار را سرزنش نماید، پاسدار رفاه ویژه برای طبقات محروم و مستضعف جامعه باشد، به وضع آنها رسیدگی کند و کارهای فراوان حکومت مانع رسیدگی او به امور مردم نشود. به علاوه، در مقابل مردم مستضعف متواضع و فروتن باشد و آنها را نزدیک ترین طبقات به خود بداند، در اجرای قوانین و حدود الهی تحت تأثیر هیچ کس واقع نشود و دین خدا را با شجاعت، در جامعه اجرا کند. البته رسیدگی به امور فقرا نباید موجب آن شود که خلیفه نسبت به سایر طبقات مردم بی اعتنا باشد و یا در حق آنان ستم کند.<sup>۱</sup>

## اندیشه و تحقیق

- ۱- تأثیرات شورا را در موفقیت حکومت اسلامی توضیح دهید.
- ۲- رابطه حکومت اسلامی در برخورد با سایر حکومت‌ها بر چه اساسی است؟
- ۳- با تأمل در شروط لازم برای خلیفه و حاکم اسلامی، ویژگی‌های مشترک پیامبر و خلیفه را استخراج کنید.

۱- یکی از نمونه‌های زرین برخورد زیبای حاکمان اسلامی با توده مردم، به ویژه مردم فقیر، ماجرای مشهور ابتدای خلافت امیرالمؤمنین عمر (رضی الله عنه) است. در تواریخ آمده است که ایشان برای مردم صحبت می‌کردند. در ابتدای سخنانشان فرمودند: «ای مردم، اگر از من کُزی و انحرافی از راه درست دیدید به من گوشزد کنید». ناگهان مردی اعرابی از میان مردم برخاست و شمشیر کشید و گفت: «به خدا قسم ای عمر، اگر از راه صواب و حق کناره بگیری، با این شمشیر کجَم تو را راست خواهم کرد.» مردم سکوت کردند و منتظر عکس العمل خشم‌آلود خلیفه بودند، امیرالمؤمنین عمر با تواضع فراوان فرمود: «الحمد لله الذی جعل فی امة محمد من یتقیم اعوجاج عمر بسیفه...»؛ سپاس خدایی راست که در امت محمد کسی را قرار داده است که کُزی عمر را با شمشیرش راست می‌کند.

## درس سوم

## خُلَفای راشدین

در بحث‌های گذشته با ضرورت ادامه یافتن خلافت اسلامی پس از رسول الله ﷺ آشنا شدید و آموختید که حکومت اسلامی و رهبری آن، دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر حکومت‌ها متمایز می‌کند. در این درس می‌خواهیم شما را با خلفا و جانشینان رسول خدا ﷺ که پس از وی به شکل شورایی، رهبری جامعه اسلامی را بر عهده گرفتند، بیشتر آشنا کنیم.

واژه «راشده» از کلمه «رشد» گرفته شده است و رشد در اینجا یعنی استقامت در راه حق و هدایت. راشد یعنی کسی که راه حق و درست را محکم و با استقامت می‌پیماید و خلافت راشده یعنی خلافتی که مبنایش ایستادگی بر حق و عدالت و شوری است.

امت اسلامی این واژه را از حدیث «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ»؛ (به سنت من و سنت خلفای راشدین، تمسک جوید!)، گرفته است. مسلمانان به خلفای پنج‌گانه، یعنی ابوبکر، عمر، عثمان، علی و حسن (رضوان الله علیهم اجمعین)، خلفای راشدین می‌گویند. باید بدانید که اگر امروزه در بعضی کتاب‌ها در شمارش خلفا به چهار نفر اول بسنده می‌شود به این سبب است که مدت خلافت حسن بن علی علیه السلام کوتاه بوده و ایشان عملاً مجال خلافت نیافته است؛ بنابراین، خلیفه راشد است اما خلافتی نداشته که در کنار چهار خلیفه دیگر از وی نام برده شود.

#### تدبیر در حدیث

۱- چرا در حدیث «علیکم بستی و...» در کنار پیروی از سنت، روش خلفای راشدین هم ذکر شده است؟

۲- پیامبر رحمت از جانشینان محبوبش با چه تعبیری یاد کرده است؟

اکنون به طور مختصر با زندگی و ویژگی‌های خلفای راشدین آشنا می‌شویم:

#### ۱- خلیفه رسول الله ابوبکر صدیق رضی الله عنه

عبدالله بن عثمان (ابوبکر) اولین خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله بود که پس از رحلت پیامبر، در یک بیعت پر از عاطفه و احساس ایمانی به خلافت رسید. وی قبل از اسلام در میان مردم به راستگویی مشهور بود و پس از ظهور اسلام، پیامبر بزرگوار به ایشان لقب صدیق داد. ابوبکر صدیق رضی الله عنه که دوست قدیمی پیامبر صلی الله علیه و آله بود، اندکی پس از ظهور اسلام به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و رسالتش را تصدیق کرد. ابوبکر تنها شخصیتی است که خود، پدر، پسر و نوه‌اش - محمد بن عبدالرحمن - (چهار نسل) همگی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله بوده‌اند.

۱- حدیث صحیح سنن دارمی ۹۶، سنن ترمذی ۲۶۷۶، مسند امام احمد ۱۷۴۲-۱۷۴۴-۱۷۴۵، سنن ابی داود ۴۶۰۷، سنن

## ویژگی‌های شخصیتی ابوبکر صدیق<sup>۱</sup> رضی الله عنه

پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> دربارهٔ ابوبکر صدیق فرمود: کسی که بیشترین خوبی و بخشش را با دوستی و دارایی اش در حق نمود، ابوبکر صدیق است.<sup>۲</sup>

او قلبی بسیار مهربان داشت و از ثروتش برای کمک به فقرا و اسیران استفاده می کرد.<sup>۳</sup> ابوبکر یار غار پیامبر در هجرت پر از رمز و راز او بود. پیامبر به نقل از قرآن، پس از دیدن غم دلسوزانه اش فرمود: غم مخور؛ زیرا قطعاً خداوند با ماست.

در قرآن کریم به این مطلب در آیه ۴۰ سورة توبه تصریح شده است:

«إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ»؛

«اگر شما پیامبر را یاری نکنید، (بدانید که) خدا (قبلاً) او را یاری کرده (و باز هم یاری می کند).

خداوند او را زمانی یاری کرد که کافران از (مکه) بیرونش کردند. آنگاه که (دو نفر بیشتر نبودند) و

او دومین نفر بود. هنگامی که به دوست دلسوزش (ابوبکر) گفت: غم مخور؛ قطعاً خداوند با ماست و

خداوند آرامشش را بر پیامبر نازل کرد (و ابوبکر هم در پرتو این الطاف آرام گشت).»

ابوبکر<sup>رضی الله عنه</sup> بسیار متواضع بود. زندگی کاملاً بی آرایش و دور از تکلفی داشت و به خواهش های دنیایی بی اعتنا بود. او در عین تواضع و فروتنی در اجرای احکام و حدود شرعی سخت گیر بود و شجاعانه و بی پروا عمل می کرد. ابوبکر صدیق در اجرای عدالت اجتماعی بسیار جدی بود و هیچ گاه اجازه نمی داد در محضرش از او تعریف کنند و اگر کسی این کار را می کرد، با فروتنی بسیار در مقابل خداوند، گریه کنان، می گفت: «بارالها، مرا بهتر از آن کن که مردم می پندارند و آنچه را آنها در مورد من نمی دانند، پیامرزم و مرا به خاطر سخنانشان در قیامت مورد بازخواست قرار مده.»<sup>۴</sup> او اولین کسی بود که برای رسیدگی هر چه بهتر به حال مستمندان، اجازه نداد زکات از نماز جدا شود. در واقع، او این مهم را از این آموزه قرآن بر گرفته بود: «اقیموا الصلوة واتوا الزكاة». مردم او را می دیدند که با جسم نحیفش سخت کوشانه برای خوشبختی همگان شب و روز کار می کند. در تواریخ معتبر آمده است که ابوبکر حتی پس از رسیدن به خلافت، درماندگان و مردمان مددجو را رها نکرد و به آنها

۱- صدیق یعنی کسی که با زبان و عمل صداقت خود را در پیروی از دین خدا ثابت می کند. در سورة نساء آیه ۶۹، صدیقین به عنوان دومین گروه از بندگان خوب خدا معرفی شده اند.

عمده ترین دلیل اینکه پیامبر این لقب را به ابوبکر داد، تصدیق های مکرر او از رسالت و وقایع مربوط به آن، به خصوص واقعهٔ معراج بود.

۲- صحیح بخاری ۴۶۶ و مسند احمد ۱۱۸۶۳

۳- صحیح بخاری ۳۶۵۴-۳۹۰۴- صحیح مسلم ۲۳۸۲- مسند احمد ۱۱۱۳۴ و ۱۱۶۳

۴- خلفاء الرسول، اثر خالد محمد خالد

سرکشی می‌کرد. در میان صحابه و نزدیکان ثروتمند پیامبر ﷺ ام‌المؤمنین خدیجه، امیرالمؤمنین عثمان و دوست باوفای پیامبر عبدالرحمن بن عوف (رضی الله عنهم اجمعین) و... به جود و سخاوت مشهور بودند اما ابوبکر صدیق بود که در بذل مال و دارایی اش در راه دین محمد ﷺ سرآمد همگان بود؛ طوری که بزرگان صحابه همگی به این موضوع معترف بودند و چه بسا یکی از دلایل ماتم همگانی مسلمانان در روز مرگ ابوبکر صدیق توجه مردم به این خصلت والای آن بزرگوار بود. به شهادت تاریخ، مرگ ابوبکر صدیق بعد از رحلت پیامبر ﷺ، غمگین‌ترین تجربه مسلمانان بوده است. او همچون پیشوای پاکش ۶۳ سال زندگی کرد و صحابه با انتخاب وی به عنوان خلیفه رسول الله ﷺ عملاً نشان دادند که به افضلیت او معترف‌اند.

به قول فردوسی خوش سخن:

که خورشید بعد از رسولان مه      نتایید بر کس ز بوبکر به

#### تدبیر در آیه

آیه شریفه ۴۰ سوره توبه بر تثبیت چه واقعه مهمی تصریح کرده است؟ (می‌توانید به تفاسیر اهل سنت مراجعه کنید.)

#### بیشتر بدانیم

برخی از اقدامات مهم ابوبکر صدیق ﷺ در دوران خلافت:

- ۱- او به محض رسیدن به خلافت، دستور داد کاتبان و حافظان وحی، قرآن را که در صفحاتی پراکنده نوشته شده بود، جمع‌آوری کنند و در یک مصحف قرار دهند. این دستور پس از آن صادر شد که هفتاد نفر از حافظان قرآن در جنگ با مسیلمه کذاب به شهادت رسیدند.
- ۲- سپاه اسامه بن زید را که قبل از رحلت رسول خدا ﷺ آماده حرکت به سرحدات روم شده بود، بار دیگر تجهیز کرد و به آن منطقه اعزام نمود.
- ۳- پایه‌های دولت اسلامی را تحکیم کرد و قبایل پراکنده را زیر پرچم پرافتخار اسلام متحد ساخت.
- ۴- کسانی را که مانع زکات بودند و از پرداخت زکات خودداری می‌کردند، مجبور به پرداخت زکات کرد و حق فقیران و مستمندان و حکومت اسلامی را از آنها گرفت. توضیح این مطلب لازم است که زکات یکی از مرفقی‌ترین احکام اسلامی است که با ادای آن، رفاه طبقات کم‌توان جسمی و روحی جامعه «خصوصاً» و رفاه عمومی «عموماً» تأمین می‌شود. به گفته ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها، امیرالمؤمنین ابوبکر صدیق ﷺ در



روز دوشنبه هفتم جمادی الآخر در سال سیزدهم هجری بیمار شد و پانزده روز نتوانست به مسجد برود. تا اینکه بعد از غروب روز سه شنبه بیست و دوم همان ماه به جوار رحمت حق تعالی پیوست و طبق وصیت خودش او را در حجره ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها، در جنب مرقد منور رسول الله به خاک سپردند. ایشان دو سال و سه ماه خلافت کرد و در ۶۳ سالگی رحلت نمود.

## درس آموزی

از شیوه زندگی و ویژگی های خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله، ابوبکر صدیق رضی الله عنه، چه درس هایی می توانیم بگیریم؟ چهار مورد آن را با همفکری هم کلاسی هایتان انتخاب کنید و به صورت مقاله ای در کلاس ارائه دهید.

## ۲- امیر المؤمنین عمر فاروق رضی الله عنه

امیر المؤمنین نامش عمر رضی الله عنه و لقبش فاروق بود. فاروق یعنی تمیزدهنده حق از باطل، و به راستی این لقب زینده وجود پاک او بود. عمر فاروق در ۲۷ سالگی مسلمان شد. او می گفت هر کس جاهلیت را تجربه کرده باشد، قدر اسلام را خوب می داند. پیامبر او را فاروق نامید؛ چون مردی وارسته، باهوش و تحلیلگر و با وجود قدرت جسمی، بسیار با عاطفه بود. یک بار که شبانه در مدینه برای تفحص درباره اموال مردم در شهر گردش می کرد، با شنیدن گریه های کودکی، بسیار گریست<sup>۱</sup> و تاریخ، صحنه های زیادی از گریه ها و سایر عواطف انسانی او را گزارش کرده است.

عمر فاروق پیش از اسلام به خاطر نیروی جسمی و قدرت ذکاوتش مقبولیتی عام داشت و اسلام این دو قابلیت را شکوفاتر کرد و به وی حیات طیبه<sup>۲</sup> قرآنی داد. وی بر عدالت اقتصادی و برداشتن فاصله طبقاتی بسیار اصرار می ورزید و برای اینکه نیازمندی در قلمرو خلافتش باقی نماند، حقوق ماهانه را برای همگان مقرر کرد. عمر فاروق پس از ۶۳ سال زندگی پر فراز و نشیب به ابدیت پیوست و با پیوستن

۱- ماجرا از این قرار بود که امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه برای تمام کودکانی که آنها را از شیر بریده بودند، حقوقی از بیت المال مقرر کرده بود و این حقوق به تمامی افراد در همه سطوح سنی تا زمانی که زنده بودند، پرداخت می شد. در این میان، مادر کودکی که می خواست حقوق فرزندش حلال باشد در همان شب تولد کودک تلاش می کرد او را از شیر بگیرد و بچه خودداری و گریه می کرد. وقتی عبدالرحمن بن عوف به دستور امیر المؤمنین با مادر بچه صحبت کرد و مادر ماجرا را برای او تعریف نمود، امیر المؤمنین عمر سخت گریه کرد و گریه کنان گفت: «فردا دستور خواهیم داد که حقوق مقرر دولتی از همان بدو تولد شامل همگان شود».

۲- زندگی پر از ایمان و باکی و خیرخواهی و خدمت را حیات طیبه می گویند.

به کاروان شهدا، زندگی پر خیرش با شهادت، خاتمه یافت<sup>۱</sup>.

فردوسی درباره شجاعت وی در اظهار کردن اسلام می گوید :

عمر کرد اسلام را آشکار      بیاراست گیتی چو باغ بهار

امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه با ذکاوتی که داشت، برای رسیدگی به امور کشوری و اداری برنامه‌ای منظم به نام دیوان مقرر کرد. وی همان گونه که گفته شد، با مقرر کردن حقوق عمومی برای همگان جامعه اسلامی را از فقر دور کرد. در زمان خلافتش عدالت اجتماعی را چنان رعایت کرد که اعجاب همگان را برانگیخت؛ تا جایی که مورخ بزرگ فرانسوی، گوستاولوبون، در کتاب «تمدن اسلام» تحت تأثیر عملکرد حاکمان مسلمان، به خصوص عمر فاروق رضی الله عنه می گوید : «دنیا فاتحانی مهربان تر و عادل تر از مسلمانان ندیده است. آنها با رفتار خوب و عدالت بی نظیر، بهتر و بیشتر از قدرتی که داشتند به اهداف خود و پیروزی حیرت انگیزشان رسیدند.»

### بیشتر بدانیم

برخی از اقدامات مهم امیرالمؤمنین عمر فاروق رضی الله عنه :

- ۱- تقسیم قلمرو پهناور اسلام به ۲۳ ایالت و انتخاب بهترین افراد برای تولیت امور ایالت‌ها؛
- ۲- تأسیس سازمان پلیس که کار افراد آن در شب، حفظ انتظامات و امنیت شهرها و در روز، اجرای احکام قضایی و حدود شرعی بود؛
- ۳- تأسیس یک سازمان ساده گمرک که وظیفه اش دریافت ده درصد حقوق گمرکی از تجار خارجی بود؛
- ۴- تأسیس دبیرخانه و نظام امور مالی برای ثبت اسناد و رسیدگی به امور بیت المال و درآمد حقوق بگیران؛
- ۵- تحدید و مقرر کردن تاریخ اسلام؛ پس از مشورت و تبادل نظر، آغاز تاریخ اسلام بر مبنای هجرت رسول الله از مکه به مدینه تعیین گردید؛
- ۶- گسترش قلمرو اسلامی به سرزمین‌های ایران و روم شرقی و آزادسازی مردم ستم‌دیده این دو سرزمین.

### درس آموزی

از شیوه زندگی و ویژگی‌های امیرالمؤمنین عمر فاروق رضی الله عنه، چه درس‌هایی می‌توانیم بگیریم؟ چهار مورد آن را با همفکری هم کلاسی‌هایتان انتخاب کنید و در کلاس ارائه دهید.

۱- مورخان اسلامی امیرالمؤمنین عمر را «شهید محراب» لقب داده‌اند؛ چون در هنگام ادای نماز صبح فردی شقی و بدخواه به نام ابولؤلؤ به ایشان حمله کرد و ضربت زد.

### ۳- امیر المؤمنین عثمان ذی النورین رضی الله عنه

عثمان بن عفان رضی الله عنه سومین خلیفه راشد است که با انتخاب شورایی ویژه تعیین شده است. او هم مانند شیخین (ابوبکر و عمر) رضی الله عنهما از سابقین (پیشتران) اسلام بود.<sup>۱</sup>

صحابه نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله هر کدام به خصلتی مشهور و آراسته بودند و صفت مشهور امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه، حیای او بود. براساس حدیثی که امام بخاری آن را در کتابش آورده، یکی از مهم ترین نکاتی که مردم از پیامبران پیشین خداوند درک کرده اند، اهمیت حیاست.<sup>۲</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله حیا را خصلتی سراسر خیر می دانست و امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه در بین جمع پر خیر و با حیای صحابه از این جهت نگینی درخشان بود. او همچنین سخاوت بسیار داشت. عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه می گوید: «تمام مردم مدینه، وام دار عثمان ذی النورین رضی الله عنه هستند؛ یک سوم آنها را مهمان می کند، قرض یک سوم را ادا می کند و به یک سوم دیگر کمک می کند. هنوز آثار وقف امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه در مدینه مانده است. او کسی است که وقتی یک سال قحطی آمد، گندم های کاروان تجاری خود را میان فقرای مدینه تقسیم کرد».<sup>۳</sup>

سرانجام، بدخواهان امت و آشوب طلبان، عثمان سخاوتمند و باحیا را شهید کردند. بی شک صحابه پیامبر با انتخاب عثمان ذی النورین بعد از شیخین، نشان دادند که اهل فهم و ذوق اند؛ چرا که مردی متدین را برای رهبری دنیا و دین خود برگزیدند. فردوسی با ذکاوت در این باره چه خوش سروده است:

که خورشید بعد از رسولان مه      نتایید بر کس ز بوبکر به  
عمر کرد اسلام را آشکار      بیاراست گیتی چو باغ بهار  
پس از هر دوان بود عثمان، گزین      خداوند شرم و خداوند دین<sup>۴</sup>

با گسترش اسلام در سرزمین های مختلف و نیاز مردم آن مناطق و شهرها به قرآن و فراگیری صحیح آن، ایشان دستور داد که کارگزاران با دقت، نسخه های زیادی از قرآن را که دارای رسم الخط واحد بودند، منتشر کنند و به نقاط مختلف سرزمین های اسلامی بفرستند.

۱- «شیخ» در کاربرد اولیه زبان عربی به پیرمرد و کسی گفته می شود که پنجاه سالگی را پشت سر گذاشته است، اما در ادبیات اسلامی کلمه شیخ به بزرگان اطلاق می شود و در قضیه خلافت، شیخین ابوبکر و عمر رضی الله عنهما هستند. در بین شافعی مذهب، شیخین به دو امام همام نووی و رافعی گفته می شود و در اصطلاح حنفیه، منظور از شیخین خود امام اعظم (ابوحنیفه) و قاضی ابویوسف رضی الله عنهما است. در علم تفسیر، به امام ابن کثیر و امام طبری شیخین می گویند. در علم حدیث نیز به امام بخاری و امام مسلم شیخین گفته می شود. البته کاربرد اسم شیخین برای ابوبکر و عمر رضی الله عنهما جز به سبب بزرگی و فخامت مقامشان، به جهت نسبتشان با پیامبر صلی الله علیه و آله هم بوده است. در میان صحابه و اقبشار مسلمانان بعد از یاران پیامبر، به عثمان و علی صهرین، می گویند که به معنای، دو داماد است. این لقب از آن جهت به این دو بزرگوار داده شد که هر دو داماد پیامبر بودند.

۲- اصل حدیث را در کتاب پر ارزش اربعین نووی حدیث شماره ۲۰ ببینید.

۳- خلفاء الرسول، اثر خالد محمد خالد؛ البته در چنین تعابیری خود عدد مورد نظر نیست بلکه منظور از آن، کثرت افراد و مصداق است.

۴- علت تکرار دو بیت بالا در اینجا، به این سبب است که بیت سوم که در مورد امیر المؤمنین عثمان است، با دو بیت پیشین ارتباط معنایی دارد.

### برخی از فضائل امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه

امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه مردی خوش قیافه و زیبا، با شرم و حیای مخصوص بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابتدا دختر خود، «رقیه»، را به عقد عثمان درآورد. اما رقیه هم‌زمان با جنگ بدر فوت کرد. پس از این واقعه، پیامبر صلی الله علیه و آله دختر دیگرش، «ام کلثوم»، را به عقد او درآورد؛ به همین سبب به او «عثمان ذی النورین» می‌گفتند. ام کلثوم نیز در همان زمان رسول خدا فوت کرد. آن حضرت فرمود: «اگر دختر دیگری می‌داشتم، او را به عقد عثمان درمی‌آوردم.» ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها می‌گوید: «هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله ام کلثوم را به عقد عثمان درآورد، به او گفت شوهرت از همه کس به جدّت، ابراهیم خلیل، و پدرت، محمد، شبیه‌تر است.»

او انسانی بسیار مهربان و دارای فضیلت‌های انسانی بود. امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه که مردی تاجر پیشه و ثروتمند بود، در چندین مرحله اموال و دارایی خود را در راه خدا و پیشبرد اهداف مقدس اسلام به مصرف رساند؛ از جمله: پرداخت هزینه‌ی ساز و برگ جنگی سپاهیان اسلام در جنگ تبوک، خریداری چاه آب رومه و تعمیر آن و نیز وقف آن چاه برای مسلمانان و توزیع گندم‌های کاروان تجاری خود در یک سال قحطی در میان فقراى مدینه. امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه، نامه‌های رسول خدا را می‌نوشت.

### درس آموزی

۱- حیا و بخشنده‌گی، دو صفت بارز امیرالمؤمنین عثمان بود. این دو ویژگی در ارتباطات خانوادگی و اجتماعی چه تأثیرات مهمی را می‌گذارند؟

### ۴- امیرالمؤمنین علی مرتضی رضی الله عنه

برای شناخت شخصیت او کافی است بدانید که پیامبر صلی الله علیه و آله برای شجاعتش به او لقب «أَسَدُ اللَّهِ»، برای اعلام رضایت از او به وی لقب «مرتضی» و برای توصیف خاکی بودنش واژه «ابوتراب» را برگزید. علی مرتضی ده سال قبل از بعثت، در مکه معظمه چشم به جهان گشود و از همان کودکی پرورده‌ی خانه‌ی نور و ایمان شد. ده ساله بود که با فهم مردانه‌ای به پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله ایمان آورد. جوانی را در زیر سایه‌ی درخت ایمان سپری کرد و نمونه‌ای از علم و ایمان و تقوا شد. او در کنار این ویژگی‌ها، شجاع و سخنور و شوخ طبع بود.

پس از شهادت امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه، مردم از مهاجر و انصار اجتماع کردند و به علی مرتضی رضی الله عنه پیشنهاد بیعت دادند. آن بزرگوار از پذیرش منصب خلافت سر باز زد اما مسلمانان دست برنداشتند و با

اصرار و پافشاری با او بیعت کردند. در آن موقع هیچ کس با خلافت او مخالفت نکرد. علی مرتضی در اولین خطبه‌اش (بعد از رسیدن به خلافت)، روش خویش را ترسیم کرد و دفاع از اموال عمومی و مساوات و برابری را همچون یاران قبلی‌اش هدف خود اعلام نمود.

باز هم دل‌مردگان شب‌پرست نتوانستند چهارمین خلیفه و خورشید تابان پرورده وحی را تحمل کنند؛ این بود که در اقدامی بی‌رحمانه، با شهید کردن امیرالمؤمنین علی علیه السلام امت اسلامی را داغدار کردند و به این ترتیب، ابوتراب متواضع در تراب جای گرفت. ضرار، از دوستان علی مرتضی علیه السلام، درباره‌ی ایشان می‌گوید: «شبی تاریک او را تعقیب می‌کردم. به مسجد رفت و در محراب جای گرفت. شنیدم که به شکلی سوزناک دعا می‌کرد و در لابه‌لای دعایش، خطاب به دنیا می‌گفت: ای دنیا، دیگران را فریب بده؛ تو عمرت کوتاه است و فریبت گسترده و زیاد.»

امیرالمؤمنین علی علیه السلام همان بود که رسول‌الله صلی الله علیه و آله او را در مناسبت‌های مختلف می‌ستود. به قول فردوسی حماسه سرای:

چهارم علی بود، جفتِ بتول      که او را به خوبی ستاید رسول

امیرالمؤمنین علی علیه السلام مردی با کمالات متعدد بود، در عین عالم بودن، متواضع، جدی در تقوا و عدالت و در عین حال خوش سخن و اهل طنز ادیبانه، مردمی و خدایی و در همان حال، مأنوس با نماز شب بود. وی ضمن بیزار بودن از دنیاطلبی با دنیای مردم آشنایی داشت و خلاصه به قول عبدالرحمن جامی:

این علی در کمال خلق و سیر      عین بوبکر بود و عین عمر

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در طول خلافتش سختی‌ها دید و همچون امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه، مظلومانه شهید شد. ابوبکر صدیق، عمر فاروق، عثمان ذی‌النورین و علی مرتضی علیه السلام راه پاک پیامبر رحمت را پیمودند تا مردم در سراسر محدوده‌ی خلافت اسلامی در رفاه مادی و با تربیت ایمانی زندگی کنند و پرچم پر افتخار اسلام را با مجاهدت‌های مخلصانه خود به اهتزاز در آورند.

#### بیشتر بدانیم

##### برخی از اقدامات امیرالمؤمنین علی علیه السلام

- ۱- مبارزه با فتنه و آشوب‌های داخلی و تحکیم ارکان حکومت اسلامی و خاموش کردن آشوبی که در پایان خلافت امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه پیش آمده بود؛
- ۲- مبارزه با اندیشه‌ها و گروه‌های افراطی، مانند خوارج و آگاه کردن مردم از خطرات آنها (البته و

متأسفانه بالاخره به وسیله همین گروه افراطی و کوتاه فکر به شهادت رسید؛

۳- ایراد خطبه ها و نوشتن نامه های حاوی معارف اسلامی، شیوه حکومت داری و اخلاق والای انسانی، که هم اکنون به عنوان گنجینه ای در اختیار بشریت است. او در عهدنامه اش با مالک اشتر نخعی که در هنگام تعیین وی به عنوان حاکم مصر نوشته است، عالی ترین شیوه کشورداری را آموزش می دهد که هنوز هم نظیر ندارد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام ۵۸۶ حدیث از پیامبر نقل کرده است.

## درس آموزی

به نظر شما، کدام یک از ویژگی های امیرالمؤمنین علی علیه السلام در جامعه امروز کم رنگ شده است و مردم به آن نیاز مبرمی دارند؟

## ۵- امیرالمؤمنین حسن علیه السلام

امیرالمؤمنین حسن علیه السلام، فرزند ارشد امیرالمؤمنین علی مرتضی و فاطمه زهرا علیها السلام است. او به پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار شبیه بود و پیامبر صلی الله علیه و آله او را به حدی دوست می داشت که درباره اش فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّهُ فَأَحِبَّهُ وَأَحِبَّ مَنْ يُحِبُّهُ.»

«پروردگارا من او را دوست دارم، تو هم او را دوست بدار و هر کس را که دوستش دارد، دوست بدار.»<sup>۱</sup>

پس از شهادت عارفانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، مردم با فرزند بردارش، حسن علیه السلام، بیعت کردند. حسن علیه السلام پرورش یافته خانه ایمان بود. او مناجات و دعا های مخلصانه مادرش را برای دیگران شنیده و به سخنرانی های نغز و پر مغز پدر بارها گوش داده بود. همچنین، دلسوزی و خیرخواهی بزرگان صحابه را در حق پدرش بارها مشاهده کرده بود و می دانست دین جدش چقدر با تفرقه سرناسازگاری دارد و آن را بر نمی تابد؛ لذا شخصیتی کامل پیدا کرد. پدرش از طرفی عابد محراب و از طرف دیگر، زاهد دنیا و خادم خانه بود. مردم سجده های طولانی او را بارها و بارها دیده بودند. حسن علیه السلام مردی اهل صفا و وفا بود و بنابر نقل های صحیح و متعدد تواریخ<sup>۲</sup> و به نقل نزدیکانش در طول عمر با برکت خود سه بار عمده اموالش را در راه خدا بخشید. این شخصیت مجتهد، با تقوا و سخاوتمند برای جلوگیری از اختلاف مسلمانان طی اقدامی صلح طلبانه منصب خلافت را رها کرد و مانند پدر شهیدش به کاروان شهدا پیوست. با شهادت ایشان، چراغ فروزان خلافت

۱- حدیث صحیح است؛ صحیح بخاری ۲۱۲۲ و ۵۸۸۴، صحیح مسلم ۲۴۲۱، سنن ابن ماجه ۱۴۲، مسند احمد ۹۸۷۳.

۲- از جمله کتاب با ارزش «المرتضی»، تألیف شیخ ابوالحسن ندوی

## درس آموزی

با توجه به صفت نرم خویی و ملاطفت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، بنویسید که در تعامل با گروه‌های مختلف مردمی، این صفت چه تأثیرات مطلوبی به جا می‌گذارد.

## پاسخ به سؤالات شما

- ۱- چرا خلفای راشدین با وجود امکان خوش گذرانی، زندگی ساده را برگزیدند؟  
چون آنها زهد را برای حکام امری واجب می‌دانستند. از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نقل شده که خداوند بر حاکمان امت اسلامی واجب کرده است که معیشت خود را در حد پایین‌ترین مردم در نظر بگیرند.
- ۲- چرا اقتدار خلفای راشدین آنها را از حق‌طلبی و عدالت‌گستری خارج نکرد؟  
به علت ایمان و تقوا و درس‌های انسان‌سازی که از مکتب عدالت پرور کتاب و سنت عملاً فراگرفته بودند.

## اندیشه و تحقیق

- ۱- با دقت در سیره خلفای راشدین، ویژگی‌های مشترک این خلفا را بیابید و درباره هر کدام دو سطر توضیح دهید.
- ۲- با دقت در سیره خلفای راشدین، نقش مردم را در خلافت هر یک از این خلفا تحلیل کنید.
- ۳- درباره نحوه تعامل خلفای راشدین با هم تحقیق کنید. (دانش‌آموزان عزیز برای تحقیق بیشتر در این باره می‌توانند به دو کتاب شیخین و صهرین اثر سیدعبدالرحیم خطیب، مراجعه کنند.)

۱- شهادت حسن بن علی در بسیاری از منابع اسلامی ذکر شده و مشهور است که آن بزرگوار مسموم شده است؛ از جمله این منابع می‌توان به منابع زیر اشاره کرد:

الاصابه ۷۳/۲ تألیف ابن حجر، تهذیب التهذیب ۱۲۷/۸، سیر اعلام النبلاء ۲۷۴/۳، اسد الغابة ۱۳/۲، البدایه و النهایه ۲۰۸/۱۱. اما در اینکه چه کسی به این کار اقدام کرده، سند و دلیل درستی در دست نیست. البته برخی از اهل علم معتقدند که آن پیشوای بزرگوار مسموم نشده و به مرگ طبیعی از دنیا رفته است.



## درس چهارم گستره و انشعابات علوم اسلامی پس از خلفای راشدین



در درس‌های پیشین دربارهٔ خلافت<sup>۱</sup> و حاکمان اسلامی سخن گفتیم. در آنجا از پیشوایانی نام بردیم که از اقتدار خود نهایت استفاده را کردند تا مردم را به رستگاری دنیوی و اخروی برسانند؛ در دنیا عدالت را برقرار کنند، نگذارند دیو فقر به خانه‌های مردم سرک بکشد، در زمینهٔ علم کوشا باشند و در مجال فعالیت‌های خود شب و روز با تأمل فکری و قلبی بسیار، رفاه مادی دسته‌ها و آحاد مردم را تأمین و نیازهای معنوی آنان را برطرف کنند. این ادامه داشت تا اینکه در پی انحراف حکومت امویان نوهٔ پیامبر، حسین بن علی علیه السلام، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را به عهده گرفت که این امر در نهایت منجر به شهادت او و یاران و اسارت خانواده‌اش شد. با به اتمام رسیدن کار نظام شورایی و خلافت و عدم توجه به اصل اساسی شورا، وضعیت جدیدی در دنیای اسلام پدید آمد. سرزمین‌های اسلامی (در این مقطع از زمان) گسترش یافتند و تعدد قومیت‌ها و ملیت‌ها (که در محدودهٔ حکومت

۱- بنابر حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله الخلافة فی امتی ثلاثون سنة، ثم ملک بعد ذلک، حدیث صحیح است. - سنن ترمذی ۲۲۲۶- مسند احمد ۲۱۹۲۳-۲۱۹۲۴، سنن ابی داود ۴۶۴۶-۴۶۴۷، مسند احمد ۲۱۹۲۳-۲۱۹۲۴-۲۱۹۱۹، (البته این مفهوم با الفاظ دیگری هم از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شده است) جالب است بدانید که رسول خدا در این کلامشان از حکومت شورایی با لفظ خلافت یاد کرده‌اند و ۳۰ سال کامل با احتساب ۶ ماه خلافت امام حسن علیه السلام کامل می‌شود.



مسلمانان بودند موجب مسائل جدیدی شد. آری، وجود این قومیت‌ها و ملیت‌های گوناگون در حجاز، یمن، عراق، مصر، ایران، هند، آفریقا و حتی بخش‌هایی از اروپا به ظهور مسائل جدید سیاسی، اعتقادی و فقهی منجر گردید و این امر مسئله پاسخ‌گویی به این مسائل را ضروری و حتمی نمود. البته باید بدانیم که گستردگی مفاهیم اسلامی، که باعث علاقه بیشتر مسلمانان به مطالعه و بررسی علوم (به‌ویژه علوم دینشان) می‌شد، قبل از گستره وسیع قومی و جمعیتی مسلمانان دلیل اصلی گسترش علوم اسلامی بود.

## وضعیت علمی و عقیدتی و فقهی بعد از خلفای راشدین

حرکت علمی مسلمانان در زمینه‌های مختلف دینی و حتی علوم تجربی و ادبی ادامه یافت. البته حرکت‌های اصلاحی و سیاسی هم در گستره سرزمین‌ها شکل گرفتند که حاصل این فعالیت‌های عقیدتی، فقهی و سیاسی ایجاد جماعت‌های سیاسی و مذاهب عقیدتی و فقهی بودند. پس از این تحولات، علوم اسلامی تدوین شد و مسلمانان دانش دیگر ملت‌ها را نیز به زبان علمی آن زمان (عربی) ترجمه کردند و بیشتر از ترجمه علوم، آنها را بسط و گسترش دادند. فلسفه یونان ترجمه گردید و نقدها و شروح مختلفی بر گفته‌های فیلسوفان یونان نوشته شد. علوم اسلامی هم در آن دوره کم‌کم از حالت پراکنده و خام بودن بیرون آمد و بزرگانی از علمای اسلامی آنها را تدوین، تقسیم و تشریح کردند. فقه یکی از این علوم است.

### بیشتر بدانیم

در این سال‌ها، به تدریج در جامعه گرایش‌های مختلف و دستجات گوناگونی به وجود آمدند؛ به گونه‌ای که فعالیت‌های علمی و عملی مسلمانان، به احزاب و مذاهبی به شرح زیر منجر شد:

۱- گروه‌ها و احزاب سیاسی که بیشتر برای رسیدن به قدرت و حکومت با یکدیگر و یا با حکومت در رقابت بودند.

۲- مذاهب کلامی که در مسائل اعتقادی و فکری با یکدیگر اختلاف داشتند و برای حل مسائل اعتقادی، نظرات خاصی ارائه می‌کردند.

۳- مذاهب فقهی که برای به‌دست آوردن احکام شرعی، روش‌های خاصی داشتند و مخاطبان، یکی از این مذاهب را انتخاب می‌کردند.

توجه به این نکته لازم است که گرایش‌های عقیدتی، فقهی، سیاسی و تربیتی به گونه‌ای جدی ریشه در شاخه‌های معرفتی و تربیتی و بینشی اسلام دارند.

برای فهم دقیق آنچه گفته شد، به دو آیه زیر توجه کنید.

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»

«آیا اندیشه نکرده‌ای که خداوند چگونه توصیفی را برای شما آورده است؟ عقیده پاک، مانند درخت خوب و پاک است که تنه آن [در زمین] استوار و محکم است و شاخه‌هایش در فضا [پراکنده]. این درخت به اراده و خواست خدا هر زمان میوه خود را می‌دهد [همیشه ثمر دارد و سرسبز و خرم است] و خداوند برای مردم توصیف‌های گوناگون را بیان می‌کند تا از آنها پند بگیرند» (سوره ابراهیم آیات ۲۴ و ۲۵).

در این آیه (بنا به آنچه در خود آیه و تفاسیر معتبر آمده است) درخت ایمان و اسلام به درخت نخل تشبیه شده که ریشه این درخت پاک دلیل‌های عقلی و نقلی آن است، تنه‌اش عقاید و قیّم، شاخه‌هایش فقه و احکام، میوه‌اش اخلاق و نظم و تربیتش و جمال و زیباییش، بصیرت است. بنابراین آیات، مجموعه چهارگانه درخت دین اسلام عبات‌اند از:

### ۱- عقاید و قیّم

همان‌طور که گفته شد، تنه درخت دین اسلام عقاید و قیّم است. عقیده از ریشه عقد است به معنی گره؛ یعنی باوری که با روح انسان گره بسته است. براساس بسیاری از آیات قرآن و احادیث نبوی، اساسی‌ترین عقیده مسلمانان ایمان به توحید، معاد و نبوت است. این اعتقاد باید مانند تنه درخت خرما محکم و راسخ باشد و بادهای مخالف هیچ تأثیری بر آن نداشته باشند. این تنه محکم باید ستونی برای فروع درخت دین باشد. بیشترین رنج پیامبر اسلام در دوره مکی تثبیت اصول اعتقادات در فکر و قلب مخاطبانش بود. آنها در این دوره آماده شدند که کم‌کم در مدینه با مسائل فقهی و اخلاقی به‌عنوان شاخه‌های درخت دین آشنا شوند و آنها را در زندگی فردی و اجتماعی خود عملی کنند.

### ۲- فقه و احکام

شاخه‌های درخت دین اسلام (فروع) فقه اسلامی است. صلاة (نماز)، صیام (روزه)، زکات، حج و جهاد و به صورت تکمیلی احکام خانواده، فقه داد و ستد، کشورداری، ارتباط با دیگر کشورها و... همه و همه شاخه‌های این درخت پاکیزه‌اند. بیشتر آیات احکام در دوره مدنی نازل شدند. مسلمانان کم‌کم خود را با احکام تطبیق دادند و آنها را در زندگی عملی خود اجرا کردند.

### ۳- آداب و اخلاق

میوه درخت دین اسلام و ایمان، آداب و اخلاق است. همان‌گونه که درخت بی‌ثمر فایده چندانی ندارد، دین بی‌اخلاق نیز فاقد جاذبه و تأثیرگذاری در خور توجه است. نظافت شخصی، جذابیت ظاهر، خوش خلقی، صداقت، وفاداری، احترام به همگان، ملاطفت و نرم‌خویی و گذشت از خطای دیگران و جبران نیکی‌های آنها، همه و همه میوه‌های شجره طيبة دین هستند. اهمیت و جایگاه میوه اخلاق به حدی است که برخی از علمای اسلامی معتقدند که تبلیغ دین با تندخویی و بی‌اخلاقی مانند عرضه خوراکی‌ها در ظرف‌های کثیف و غیر بهداشتی است که برای مخاطب جاذبه‌ای ندارد؛ ضمن اینکه کل نظام درخت دین زمانی جذاب است که اخلاق نیکو در فرد مسلمان و جامعه دینی هویدا باشد.

### ۴- بصیرت

علمای اسلامی به نظم و ترتیب درخت دین اسلام و جایگاه هر کدام از اجزای دین در جای شایسته‌اش بصیرت می‌گویند. برای احیای دوباره دین در دل‌های افراد جامعه باید به بصیرت توجه کرد. ابتدا باید تنه درخت و ریشه‌هایش را ثابت کرد و بعد، فروع دین را بر این تنه محکم و مبارک قرار داد. سپس، میوه شیرین دین را جزء جدایی‌ناپذیر آن معرفی کرد و آن را بارور ساخت. عالمان باید هر کدام از این موارد را همراه با ریشه‌اش (یعنی ادله عقلی و نقلی) به خوبی معرفی کنند و به‌گونه‌ای صحیح همگان را به آن دعوت نمایند. حاکمان هم باید زمینه‌های وجودی دین را در فرد و جامعه ایجاد کنند و تک‌تک مسلمانان موظف‌اند درختی محکم، زیبا و پرثمر را با مشخصات یاد شده در درون و ظاهر خویش ایجاد نمایند.

### تدبّر در آیات

با تدبّر در آیات ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم، چه پیام‌های مهمی می‌توان برداشت کرد؟

### اندیشه و تحقیق

۱- تحولات علوم اسلامی بعد از خلفای راشدین و نتایج مثبت و منفی آنها را تحلیل کنید.

۲- تبلیغ دین بدون رعایت موازین اخلاقی، چه نتایج بدی دارد؟



## درس پنجم

# احکام و فقه اسلامی



در درس پیش گفتیم که یکی از اجزای شجره طیبه اسلام، فقه است. دین‌داری و دین‌گستری براساس دین فهمی، از ضروریات حتمی و حیاتی زندگی به شمار می‌آید. اسلام شناسی غذای روح و شکل دهنده فکر انسان است و پایه دین اسلام اعتقادات پاک اسلامی یعنی توحید، معاد و نبوت است. از چندین آیه از آیات سوره هود به روشنی استنباط می‌شود که دعوت مشترک تمام پیامبران به ایمان راسخ به توحید و معاد بوده است. به قول امام کاظم علیه السلام دنیای بی‌خدا کشتی سرگردانی است در اقیانوس بی‌پایان. فرد غیرموحد، فردی بریده از خالق، مالک و گرداننده هستی است؛ بنابراین، زمام وجودش از هم گسیخته است و شیطان و شیاطین و هوای نفس می‌توانند او را به هر جهتی که بخواهند، ببرند. نگاهی به تاریخ اسلام به خوبی نشان می‌دهد که چگونه پیامبر با دعوت مخلصانه، پاک و بصیرتمندانه خود در مکه توانست مردم را از شرک و بی‌خدایی نجات دهد و موحد و مطیع فرمان پاک خداوند کند. او با دعوت به قیامت (و به‌خصوص بهشت) و رعایت احکام اسلامی، یارانش را با زندگی سالم و پاک و ابدی زیبایی آشنا کرد و با این کار به حیات گذرا و پر از درد و گناه انسان‌ها معنا و مفهوم بخشید. باید بگوییم که با ایمان به معاد هیچ کس پوچ‌گرا نمی‌شود. دوران مکه گرچه پر

از درد و رنج بود و مشرکان از هرگونه آزاری در حق مؤمنان دریغ نمی‌کردند، اما ایمان به توحید و قیامت و رعایت احکام اسلامی را در مردان و زنان شکوفا کرد؛ به‌طوری که نام آنان در تاریخ بشریت برای همیشه می‌درخشد. آنها با الگو گرفتن از پیامبر رحمت، برای خود زندگی‌هایی سرشار از معنا و معطر به عطر ایمان ساختند. امروزه اگر بعضی از مسلمانان از مفهوم عبادت و اخلاق دورند، این امر ریشه در دوری آنان از اعتقادات پاک ایمانی دارد. کسی که بدون هیچ دلیلی اهل نماز نیست، به روزه و رمضان بی‌اعتناست، زکات نمی‌دهد، می‌تواند حج به‌جا آورد ولی از آن غافل است، به این دلیل است که پایه‌های اعتقادی محکم ندارد و از اسلام و دین فقط پوسته‌ای را شناخته که از مغز توحید و قیامت تهی است.<sup>۱</sup> آری، مسلمانانی که تا حدودی متعهد به انجام دادن عبادات‌اند اما از اخلاق و صفات ایمانی به دورند، مشکیشان این است که در معرفت دینی نقص دارند و اعتقاداتشان سطحی و غیرمحکم است.

هر که در او جوهر دانایی است      بر همه چیزش توانایی است<sup>۲</sup>

بررسی فقه و جایگاه آن به ما می‌آموزد که با رعایت احترام به مذهب فقهی یکدیگر، در جست‌وجوی حق و رسیدن به سنت پاک پیامبرمان باشیم. اختلاف فهم در هر زمینه علمی و معرفتی کاملاً طبیعی است و به‌طور خاص، اختلاف برخاسته از مراجعه ما به متون دینی و فهم ما از آنهاست.

## تعریف فقه اسلامی

واژه فقه به معنای فهم عمیق و تیزهوشی است و تَفَقُّه در دین یعنی فهم دقیق دینی. علما در اصطلاح اسلامی و شرعی از فقه تعریف‌های گوناگونی ارائه داده‌اند. امام اعظم ابوحنیفه رحمته‌الله، فقه را شناخت آنچه برای وجود انسان مفید یا مضر است تعریف کرده است. امام شافعی رحمته‌الله فقه را علم به احکام شرعی عملی می‌داند که از دلیل‌های شرعی گرفته شده است. احکام زمینه‌های متفاوتی دارد. برای درک صحیح احکام شرعی عملی مثالی از حج می‌آوریم. رعایت قوانین مربوط به سفر هوایی، آداب و رسوم مربوط به فرودگاه و خروج از کشور و... احکام قانونی این سفر مبارک است. بردن قرص و دارو برای کسانی که بیمارند و دوری از خوردن و آشامیدن بعضی چیزهایی که سلامت حاجی را به

۱- جا داشت که در این کتاب بیشتر از این مختصر، درباره مسئله عقاید و قیَم سخن گفته می‌شد اما چون کتاب دین و زندگی به این امر مهم پرداخته است، به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

۲- نظامی گنجوی، مخزن الاسرار

خطر می‌اندازد، احکام بهداشتی حج است و... اما اینکه طواف کعبه چند دور است و از طرف راست یا چپ انجام می‌شود و...، از احکام شرعی عملی حج است و فقه به چنین مسائلی می‌پردازد؛<sup>۱</sup> بنابراین، موضوع فقه، افعال و اعمال شرعی مکلفان است.<sup>۲</sup>

## ویژگی‌های فقه اسلامی

فقه اسلامی، به عنوان بخش عملی اسلام، براساس قرآن و سنت و سایر دلایل شرعی بنا شده است و با بخش اعتقادی اسلام ارتباطی مستقیم دارد. به این معنی که مکلف خود را به آن پایبند می‌داند؛ چون به ریشه و اساس آن، که ایمان به توحید و قیامت و رسالت است، اعتقاد دارد و علت اینکه می‌بینیم همیشه در قرآن و سنت اعمال فقهی به ایمان مرتبط شده، همین است؛ مثلاً مکلف روزه می‌گیرد؛ چون مؤمن است<sup>۳</sup> و خدایش فرموده:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما واجب شده است.»<sup>۴</sup>

بنابراین تعهد فقهی در اصل تعهدی مبتنی بر اعتقادات فقهی است. فردی که زکات می‌دهد و در پرداخت آن آداب و شرایط و محدوده‌ای را رعایت می‌کند، به گونه‌ای نشان می‌دهد که با اصل و ریشه دین در ارتباط است و هرچه این ارتباط آگاهانه و مخلصانه‌تر باشد، دین‌داری فرد، زیباتر و پرثمرتر است.

## تفاوت فقه اسلامی و قوانین بشری

فقه اسلامی با قوانین بشری که ساخته و پرداخته ذهن انسان‌هاست، تفاوت‌هایی اساسی دارد که در اینجا برخی از آنها را به اختصار توضیح می‌دهیم.

### ۱- اساس آن وحی و قرآن است؛

باید دانست که اعتبار سایر پایه‌های فقه (سنت و اجماع و...) هم مبتنی بر قرآن است. منشأ و حیانی فقه آن را در عین زمینی بودن به آسمان‌ها می‌برد؛ در حالی که قوانین بشری هر چقدر هم که مهم باشند

۱- الفقه الاسلامی و ادلته، جلد اول، ص ۳۳

۲- مکلف به فرد بالغ، عاقل و مختاری می‌گویند که تکالیف شرعی، به اعمال او مرتبط است؛ یعنی برخی از اعمالش بر اساس شریعت اسلامی، واجب و برخی مستحب، برخی حرام و برخی مکروه و بعضی مباح است.

۳- الفقه الاسلامی و ادلته، جلد اول، ص ۳۲

۴- سورة بقره، آیه ۱۸۳

و محترم شمرده شوند، باز بشری هستند و به وحی ربطی ندارند.

## ۲- ویژگی دینی دارد؛

این ویژگی دینی است که مقوله حلال و حرام را در آن ایجاد می‌کند. در قوانین دنیوی حکم قاضی و تراوش فکری قانون‌گذار محدوده احکام را روشن می‌کند اما در فقه اسلامی فقط حکم مستقیم خدا و پیامبر یا اجتهاد مجتهد و فقیه که مرتبط با قرآن و سنت و در ارتباط با حلال و حرام شرعی می‌باشد تعهد بیشتری در مخاطب ایجاد و او را پایبندتر کرده و در سرنوشت اخروی او تأثیر مستقیم دارد. به عنوان مثال ابراء یکی از احکام دینی مرتبط با قرض است. در حکم ابراء شخص قرض دهنده قرضی را که بر فرد مقابل دارد به خاطر رضای خدا می‌بخشد حال اگر فرد ابراء کننده (بخشنده قرض)، (پس از ابراء) مدعی قرض خود شود مفتی به حرام بودن یا پس گرفتن آن، فتوا می‌دهد اما قاضی پس گرفتنش را روا می‌داند. بنابراین در دینی بودن فقه، حلال و حرام بودن اعمال مورد نظر است.

## ۳- پاداش و سزای دنیوی و اخروی دارد؛

در قوانین وضعی، مجازات و پاداش، فقط دنیوی است. یعنی برخی از کارها مثل کار کارمندان دارای پاداش هستند و برخی از اعمال مانند دزدی و اختلاس مجازات دارند؛ اما نکته‌ای که در اینجا مهم به نظر می‌رسد این است که تمام خدمات و کارها همیشه معلوم و علنی نیست و گاهی از نظرها پنهان می‌مانند، همچنین انجام دهندگان اعمال لازم و واجب در درجه اتقان و کیفیت انجام کار با یکدیگر یکسان نیستند. در مقابل، کارهای بد نیز در بسیاری از موارد پنهانی انجام می‌شود و متخلفان از چنگ قانون فرار می‌کنند؛ ضمن اینکه در قوانین بشری برای آن اعمال پنهانی پاداش یا مجازاتی در نظر گرفته نشده است. اما در فقه اسلامی که قانون خدایی است تمام اعمال مکلف (آشکار و پنهان)، پاداش و یا سزا دارد و در پرونده اعمال توسط فرشتگان ثبت و ضبط می‌گردد و هیچ عملی ضایع و تباه نگشته و در ترازوی عدل الهی در قیامت، ارزش هر کار به طور دقیق سنجیده می‌شود.

## ۴- ماندگار و زمان شمول است؛

فقه، اصولی دائمی دارد که تغییر ناپذیر است مثل تراضی و خشنودی خریدار و فروشنده در معامله، حمایت از حقوق فرد و جامعه و مبارزه با جرم و جنایت. اما در عین حال در فقه اسلامی قیاس و مصالح عمومی و خصوصی انسان‌ها هم در نظر گرفته شده و قواعد و قوانینی دارد که بر اساس شخص، زمان و مکان‌های مختلف می‌تواند تغییر کند و در نتیجه فتوا به تغییر آن داده می‌شود؛ مثلاً براساس موازین فقهی، حسنات (اعمال نیک) و سیئات (اعمال بد) می‌تواند بنا بر فرد و زمان و مکان، وزن مخصوص پیدا کند.

## ۵- جهان شمول است.

یکی از تفاوت‌های بسیار مهم فقه با قوانین بشری، شمول و گستردگی فقه اسلامی است. فقه اسلامی در صدد است رابطه انسان را با خدا، مردم و جامعه، محیط زیست و آنچه در آن است (همچنین خود فرد مکلف) اصلاح کند. فقه جز همه اینها، قانون دین و دولت است و برای تمام بشریت وضع شده و در پی خوشبختی دنیوی و بلکه ابدی برای انسان است. احکام آن تلفیقی است از عقیده (از جهت مرتبط بودن با عقیده)، عبادت، معامله و برخورد با همگان. از طرف دیگر، فقه با درون انسان مرتبط است و در عین حال ظاهر را هم در نظر دارد؛ به همین سبب، شمول و فراگیری آن بسیار وسیع‌تر از قوانین بشری است. اکنون که از شمول و گستردگی فقه سخن گفته شد، لازم است این ویژگی از ویژگی‌های فقه اسلامی به‌طور گسترده‌تری بررسی گردد. فقه اسلامی از این زاویه به دو دسته عبادات و معاملات تقسیم می‌شود. در اینجا این دو دسته از احکام را به‌صورت مختصر شرح می‌دهیم و تبیین می‌کنیم.

۱- احکام عبادات: موضوع این بحث، رابطه انسان با خداست؛ گرچه در اکثر موارد، بخش عبادات هم بی‌ارتباط با انسان‌ها نیست.

۲- احکام معاملات: منظور از معامله در اینجا فقط خرید و فروش نیست بلکه تعامل و ارتباط شخص با دیگران نیز هست (به شکل فردی و یا رابطه مسلمان با جامعه اسلامی و دیگر جوامع به‌صورت جمعی). معاملات شامل شاخه‌های زیر است:

الف/ احکام مربوط به خانواده: امروزه این مورد را (به‌خصوص در علم حقوق) احوال شخصیه می‌نامند؛ اموری مانند ازدواج، طلاق، نفقه، ارث و نسب. بنابراین، حیطة احوال شخصیه ارتباط زن و شوهر و فرزندان و در مواردی مانند ارث دربرگیرنده سایر وابستگان خانوادگی است.

ب/ احکام اقتصادی و مالی: این مورد در ارتباط با حقوق مالی افراد و تعهدات آنها در نظام پول، سرمایه، ثروت و دارایی است؛ داد و ستد، کشاورزی و باغداری، تجارت، گمرک، مالیات، معادن جامد و مایع و اموری مانند صدقه، زکات، نذورات<sup>۱</sup>، قرض الحسنه. این بخش از فقه را امروزه احوال عینیّه می‌گویند.

ج/ احکام مدنی: این احکام به ارتباط افراد و مبادلات آنها در موضوعاتی مثل رهن، کفالت و اموری مربوط می‌شود که حقوق شهروندی در آنها بیشتر نمایان و مورد نظر است.

---

۱- زکات و صدقه و نذورات از سویی عبادت‌اند؛ چون به تقرب انسان به خدا مربوط می‌شوند و از جهت دیگر از معاملات به حساب

می‌آیند؛ چون به مسئله مالی و رابطه انسان‌ها با هم (از این لحاظ) ارتباط دارند.



د) احکام جنایی: این نوع از احکام مربوط به جرایم مکلف و مجازات‌های مربوط به آنها است. آنچه در این بخش بیشتر مورد نظر است، حفظ جان، مال، اموال، آبرو و حیثیت مردم، هم به صورت فردی و هم به صورت جمعی (و به قول فقها حفظ نسل) است.

ه) احکام مراجعات و اجراءهای مدنی و جنایی: این بخش از احکام، به قضاوت و دعاوی و راه‌های اثبات شهادت در دادگاه، قسم خوردن در دادگاه و سبک و روش محاکمه، و فیصله‌دادن دعاوی شاکي و شکایت‌شونده مربوط می‌شود.

و) احکام سلطانیه یا دستوری<sup>۱</sup>: موضوع این بخش از احکام فقهی به حکومت‌داری و تنظیم نظام حکومتی و تأسیس پایه‌ها و اصول حکومت مربوط است. منظور اصلی از این بخش از احکام، برپایی عدالت توسط حاکم و پایبندی حاکمیت و مردم به قوانین است.

ز) احکام بین‌المللی و سیر<sup>۲</sup>: این بخش از احکام به رابطه دولت اسلامی با سایر دولت‌های همسایه و غیرهمسایه مربوط می‌شود. موضوعاتی مانند صلح و جنگ، پیمان‌هایی بین کشورها، و تنظیم روابط احترام متقابل با دیگر دولت‌ها از جمله احکام مربوط به سیر است.

ح) محاسن و مساوی: محاسن یعنی خوبی‌ها و مساوی یعنی بدی‌ها. حفظ نظم و انضباط اجتماعی و گاهی هم فردی، موضوع این بخش از فقه است؛ از جمله: ممنوعیت عریضه‌کشی، مردم‌آزاری، آلوده کردن محیط‌زیست و در مقابل، حفاظت از اموال عمومی و یا تخریب آن.

## اصل اباحت

یکی از ویژگی‌های دین اسلام این است که بهره‌بردن از اشیا و نعمات را در اصل، روا و مباح می‌داند. این ویژگی موجب می‌شود که مسلمان در مقابل دین احساس امنیت کند و با تمام وجود معتقد شود که حرام کردن برخی امور برای رفع نیازهای جسمی و روحی اوست. دین می‌خواهد انسان از چیزهایی که واقعاً مفیدند، استفاده کند و از آنچه ضرر دارد، پرهیزد. باید بدانید که ممکن است گاهی دلیل حرام بودن اشیا و اعمال بر افرادی پنهان بماند. این مسئله ناشی از این است که در تحلیل حکمت اشیا، انسان‌ها معمولاً به عقل یا یافته‌های خود تکیه می‌کنند و چه بسا عقل فردی در میدان تشخیص مصلحت لنگ بماند.

قرآن به ما امر می‌کند که در استفاده از نعمت‌های خداوند به دو گزینه حلال بودن و پاک بودن اهمیت

۱- دستور با ضمه دال به معنی قانون یا قانون اساسی و در اینجا به معنی قانون است.

۲- سیر با کسر سین و فتح یاء

دهیم (حلالاً طیباً). در سورة اعراف آیه ۳۲ با پرسشی انکاری می گوید :

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ...»

ای پیامبر، زشتی کارِ حلال و حرام کردن ناروای مشرکان را به آنها گوشزد کن و بگو چه کسی زینت های الهی را، که برای بندگانش آفریده، و همچنین روزی های پاکیزه را حرام و ممنوع کرده است.

بنابراین، دلی پاک و روحی بلند و عقلی سالم است که به راحتی درک می کند که خداوند با حلال و حرام کردن می خواهد انسان را کامل کند و از آفات مختلف دور نماید. علمای اسلامی در کتب قواعد فقه، اصل اباحه را این گونه آورده اند : الاصل فی الاشیاء الاباحه : یعنی رویکرد اصلی شریعت اسلامی در انتخاب نعمت ها و استفاده از آنها، جایز و روا بودن است و حرام کردن امور حتماً به دلیل ضرری است که انجام دادن آنها برای فرد یا جامعه دارد.

### بیشتر بدانیم

خداوند در سورة حجرات به ما دستور می دهد که چند عمل را انجام ندهیم : مسخره کردن، عیب جویی کردن، لقب زشت دادن به دیگران، سوءظن و بدگمانی نسبت به دیگران، تجسس در احوال دیگران و غیبت کردن. این محرمات منشأ بسیاری از بدی های اخلاقی اند و از زشت ترین رذایل اخلاقی محسوب می شود.

تأثیر گناه در ایجاد اختلال در اخلاط بدن و بیماری های جسمی و روحی : تحقیقات بسیاری به این نتیجه رسیده اند که دروغ گویی تأثیر قابل توجهی بر روی سلامت افراد می گذارد. در این تأثیر گذاری سلامت افراد صدمه جدی می بیند. به محض اینکه دروغ از دهان فرد خارج می شود، بدنش کورتیزول را در مغز او آزاد می کند. فقط چند دقیقه بعد، حافظه وی تلاش زیادی می کند که هر دو قسمت ماجرا، یعنی هم دروغ و هم واقعیت، را به خاطر بیاورد. در چنین حالتی، تصمیم گیری دشوار خواهد شد و حتی این امکان وجود دارد که فرد ناراحتی ناشی از این اتفاق را در قالب خشم نشان دهد. این اتفاقات فقط در طول ۱۰ دقیقه می افتد.

از گناه تعابیر زیادی شده است که یکی از آنها «ذنب» است. ذنب به مفهوم دُم و دنباله است؛ یعنی آثار گناه در وجود فرد باقی می ماند و به دنبال او کشیده می شود.

گناهان ما نه تنها در آخرت عقوبت دارند، بلکه در همین دنیا نیز روی شخصیت ما تأثیر می گذارند. وقتی ما طلب غفران می کنیم، در واقع از خدا می خواهیم که غیر از بخشش گناهان، آثار گناه را نیز از وجودمان پاک کند. به طور خلاصه، پروردگار و صانع انسان قواعد خاصی را برای این جسم گذاشته است که خروج از این قواعد خاص و رفتار کردن برخلاف آنها، روی جسم و اخلاط بدن تأثیر منفی به جا

می‌گذارد. پیامبر اعظم ﷺ می‌فرماید: «هر گناهی که فرد مرتکب می‌شود، نقطه سیاهی (سوداء) روی قلبش ایجاد می‌کند تا اینکه سیاهی‌ها زیاد می‌شود و کل قلب را می‌گیرد؛ بنابراین، گناه به معنی ارتکاب عمل، خارج از قواعدی است که خالق برای این وجود طراحی کرده است و مستقیماً اثر آن به خود گناهکار برمی‌گردد.

وسیله نقلیه‌ای را در نظر بگیرید که کارخانه سازنده، دستورالعملی برای نگهداری آن تدوین کرده و در آن، نوع و میزان سوخت و روغن و زمان تعویض آنها، سرعت مجاز و تمامی موارد را درج کرده است. حال اگر راننده خلاف آن عمل کند، لاستیکش را کوچک‌تر از حد معمول بگذارد، روغن و سوخت نامناسب در آن بریزد و با سرعت مجاز حرکت نکند، قطعاً به ماشین صدمه می‌زند و باعث تخریب آن می‌شود. بنابراین، کارکردهای گناه چون خارج از نظام تعریف شده برای وجود انسان است، وجود را تخریب می‌کند. این به گونه‌ای با مفهوم سودا در طب سنتی نیز منطبق است.

## ضرورت آشنایی با فرم و محتوا در فقه اسلامی

تمام آنچه را که اسلام نامیده می‌شود، می‌توان به دو دسته فرم و محتوا تقسیم کرد. محتوا درون مایه و اساس هر چیز است و علمای اسلامی آن را اخلاص (نیت وانگیزه) می‌گویند؛ مثلاً در بحث صیام (روزه) محتوا رسیدن به تقواست. به همین جهت، قرآن هدف از فرض شدن روزه را بر مؤمنان رسیدن به تقوا ذکر می‌کند<sup>۱</sup>، اما در عین حال به شکل و ظاهر هم — که علما آن را متابعت<sup>۲</sup> می‌گویند — در مورد روزه تصریح دارد؛ آنجا که از حکم روزه افرادی که مریض و مسافرنده سخن می‌گوید و به آنها امر می‌کند که بعد از بهبود یا اتمام سفر، روزه خود را (در زمانی دیگر) به جا آورند. همچنین، به کسانی که به هیچ وجه توان ادای فریضه روزه را ندارند، قالب دیگری از عبادت به نام فدیة (جبران مالی) را معرفی و امر می‌کند<sup>۳</sup>. در سنت پیامبر هم مسئله پرداختن به محتوا و ظاهر دیده می‌شود. رسول الله ﷺ همان‌طور که به محتوای خشوع و فروتنی در نماز عمل می‌کرد و مسلمانان را نیز به آن امر می‌نمود، به آنان فرمان می‌داد که ظاهر نمازشان را بر اساس ظاهر و شکل نماز خود آن بزرگوار تنظیم کنند و می‌فرمود: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»؛ «آن گونه نماز بخوانید که مرا در حال نماز خواندنم می‌بینید»؛ یعنی ظاهر نمازتان مثل ظاهر نماز من باشد. بنابراین، برخلاف گفته برخی از افراد ساده‌اندیش، باید

۱- سورة بقره، آیه ۱۸۳

۲- متابعت یعنی اینکه فرم و ظاهر عمل بر اساس سنت و روش پیامبر صورت بگیرد. برای کسب اطلاعات بیشتر به شرح حدیث شماره ۲۱ اربعین نووی و تفسیر آخرین آیه سورة کهف مراجعه شود.

۳- سورة بقره، آیه ۱۸۴

به محتوای برنامه‌های اسلامی توجه کرد و در عین حال، به ظاهر فقهی آنها هم متعهد بود. در نماز همان گونه که خشوع را در نظر می‌گیریم، در عین حال، بر اساس روش پیامبر ﷺ نماز می‌خوانیم؛ زیرا به قول اهل علم، این توجه به محتوا و ظاهر، کمال بندگی را در انسان نشان می‌دهد و در عین حال، دین را از دستبرد تغییر و تحریف و تبدیل نجات می‌دهد و آن را آن گونه که بوده است، باقی می‌گذارد؛ چون تغییر و تبدیل احکام، خیانت و جسارت به خدا، پیامبر، دین و مخاطبان دین است.

## اجتهاد و شرایط آن

اجتهاد در لغت به معنی تلاش و کوشش کردن است و در اصطلاح علمی، به تلاشی گفته می‌شود که فرد صاحب تخصص و توان دینی و فقهی، آن را انجام می‌دهد و هدفش کشف حکم شرعی و استنباط احکام از روی دلایل شرعی است. به کسی که دارای توان و تخصص اجتهاد باشد، مجتهد می‌گویند. مجتهد باید از پنج موضوع مهم آگاهی کامل داشته باشد:

### ۱- کتاب (قرآن)

۲- سنت (مجموعه گفتار و کردار رسول خدا ﷺ و همچنین تأییدهایی که از اعمال شرعی مسلمانان داشته است)

### ۳- اقوال علمای صاحب نظر و اجماع‌های صورت گرفته در تاریخ فقه

### ۴- تسلط کافی بر زبان و ادبیات عرب

### ۵- شناخت کافی از قیاس و مهارت در آن.

در نهایت نیز، استعداد و توانایی استنباط احکام را هم به عنوان شرطی لازم داشته باشد. این ذوق و استعداد را «شمّ اجتهاد» می‌گویند. مورد اخیر را بسیاری از اهل تحقیق ذکر کرده‌اند؛ زیرا فرد عالم بدون این ذوق و شمّ، فقط ناقل است و بیشتر از آنکه توان اجتهاد داشته باشد، کتابی گویاست.<sup>۱</sup>

به افرادی که توان اجتهاد ندارند و برای به‌دست آوردن حکم مسائل شرعی باید به اجتهاد مجتهدان رجوع کنند، مقلد می‌گویند. بنابراین، مراجعه فرد غیر مجتهد به مجتهد برای آگاهی از حکم شرعی، تقلید نام دارد. فرد مقلد بنا به اعتمادی که به مجتهد دارد، از رأی و اجتهاد او پیروی می‌کند. پس، تقلید، گرفتن حکم شرعی مسائل اجتهادی از مجتهد و پیروی کردن مخلصانه از آن است.

---

۱- البته قصد از این سخن، کاستن مقام افراد ناقل نیست بلکه هدف این است که بدانیم اجتهاد جز توان علمی، نوعی تسلط و مهارت است و قضیه در حد نقل و ذکر اقوال باقی نمی‌ماند.

## منابع اجتهاد

اجتهاد کاری کارشناسانه است که باید با رجوع به منابعی موثق و مرتبط با دین صورت گیرد. این منابع مهم را منابع اجتهاد و دلایل فقهی می‌گویند. قرآن، سنت، اجماع و قیاس منابع اصلی اجتهادند و استحسان، استصحاب، مصالح مرسله، عرف، شریعت‌های سابق و مذهب صحابه، سایر منابع اجتهاد به شمار می‌روند<sup>۱</sup>.

### بیشتر بدانیم

اجماع: در اصطلاح علمای اصول، اجماع عبارت است از اتفاق و هماهنگی قولی، فعلی یا تقریری مجتهدان، درباره مسئله‌ای که به حکم آن در قرآن و سنت رسول الله ﷺ اشاره نشده باشد. اجماع سبب می‌شود:

- ۱- تفرقه و دو دستگی در میان امت از بین برود؛
- ۲- باب اجتهاد باز بماند و انتخاب بهترین رأی، ممکن گردد؛
- ۳- هرگونه استبداد و دیکتاتوری و سوء استفاده از قدرت از بین برود.

## ادوار فقه و طبقات فقها

فقه اسلامی ادوار مختلفی را پشت سر گذاشته است که می‌توان آنها را در شش دوره خلاصه کرد:

### ۱- دوره تکوین و ایجاد:

در این دوره، پیامبر در میان صحابه بود. آیات احکام نازل می‌شد و پیامبر آنها را در صورت لزوم برای صحابه توضیح می‌داد و خود و یارانش فقه را در زندگی‌شان عملی می‌کردند. این دوره تا سال آخر زندگی پیامبر طول کشید.

شاخصه مهم این دوره این بود که عقیده و فقه در کنار هم ایجاد و تکمیل می‌شدند؛ به همین سبب، یاران پیامبر از فقه نهایت لذت معنوی را می‌بردند؛ چون مثلاً وقتی آداب و احکام نماز را رعایت می‌کردند، پیامبر عابد را می‌دیدند که در مقابل پروردگارش نماز را با فروتنی و دقت با آداب مخصوص به جا می‌آورد.

۱- دبیران گرامی در صورت لزوم می‌توانند در کلاس، منابع غیر اصلی را توضیح دهند؛ اما اینها فقط جهت اطلاع بیشتر در اینجا ذکر شده است.

دانش‌آموزان گرامی می‌توانند برای مطالعه در این زمینه به کتب اصول فقه از جمله ترجمه فارسی «الوجیز» عبدالکریم زیدان، مراجعه کنند.

## ۲- دوره تأسیس :

این دوره با خلافت ابوبکر صدیق رضی الله عنه آغاز شد و تا پایان سی سال خلافت طول کشید. در این دوره، صحابه فقه را در کنار عقیده و قیّم، اخلاق و آداب و بصیرت (به گونه ای مستقل) بررسی می کردند. مباحث علم فقه در این مقطع زمانی مستقل شد و یاران پیامبر آن را علمی مستقل و متمایز می دانستند. البته باید توجه کنیم که فقه در این زمان جنبه عملی محکمی داشته است و مسلمانان به فقه و عمل به آن توجهی ویژه داشته اند.

## ۳- دوره کمال :

حدود صد سالی از عمر اسلام گذشته بود که فقه به اوج اجتهاد و تدوین رسید؛ مذاهب گوناگون اسلامی تشکیل شد و اصول فقه<sup>۱</sup> پدید آمد. دوره کمال تا نیمه قرن چهارم هجری (یعنی حدود ۴۵۰ سال) طول کشید.

## ۴- دوره شرح و بسط :

پس از دوره کمال، در گستره ای زمانی در حدود ۳۰۰ سال، کتب فقهی شرح و بسط فراوانی یافتند اما فقه در این مقطع صفا و جنبه عملی دو دوره اول را نداشت و همانند دوره سوم هم فهم و عمق علمی در آن دیده نمی شد. در این دوره، کتاب های زیادی نوشته شد اما نفوذ مسائل فرضی و غیرعملی، فقه را سخت حجیم کرد؛ طوری که آموختن آن برای طالبان علم مشکل می نمود.

## ۵- دوره انحطاط :

از حدود سال ۷۵۰ تا سال ۱۳۰۷ هجری قمری کتاب های بسیاری تألیف شد اما در این دوره، دیگر اجتهاد بسیار کم صورت می گرفت و استادان فقه در واقع فقط ناقل فقه و آرای گذشتگان بودند. در این دوره یک کار بسیار خوب علمی انجام شد و آن این بود که حکومت عثمانی در آخرین دوره اقتدارش دستور داد گروهی زبده از فقهای مصر، تشریه ای به نام «الاحکام العدلیه» را تألیف کنند. با تألیف این نشریه، مجموعه ای از علما فقه را به شکلی نو، مورد بررسی قرار دادند و هم زمان در همان نشریه، قوانین دادگاه های آن روزگار را نیز تحلیل کردند.

## ۶- دوره تیسیر و آسانی :

در این دوره فقه بسیار آسان شد و علمای عصر با زبانی ساده آن را در لباسی نو به طالبانش عرضه کردند؛ برای مثال، در فقه شافعی کتاب «الفقه المنهجي» و در فقه حنفی کتاب «الفقه الحنفی فی ثوبه

---

۱- اصول فقه علمی است که در آن قواعد تعلیل قانون و دلیل های آن به صورت ویژه بررسی می شود.

الجديد» نگاشته شد<sup>۱</sup>. امروزه کتاب‌های بزرگ‌تری با روش آموزش جامع و آسان وجود دارند که دائرةالمعارف فقهی به حساب می‌آیند.<sup>۲</sup>

## امامان اربعه اهل سنت

به امامان چهارگانه اهل سنت (در فقه و مذهب) که به اتفاق علما و بزرگان امت، در میان ستارگان آسمان فقهات جایگاهی بزرگ دارند، ائمه اربعه می‌گویند. این بزرگواران به ترتیب زمان عبارت‌اند از:

۱- نعمان بن ثابت (امام اعظم ابوحنیفه) رحمته الله پیشوای مذهب حنفی

۲- مالک ابن انس رحمته الله پیشوای مذهب مالکی

۳- محمد بن ادریس شافعی رحمته الله پیشوای مذهب شافعی

۴- احمد بن حنبل شیبانی رحمته الله پیشوای مذهب حنبلی.<sup>۳</sup>

گفتنی است که جز این پیشوایان بزرگ، در میان امت اسلامی بزرگان دیگری هم بودند که سبک و روش فقهی خود را داشتند و امام آن روش و سبک (مذهب) به حساب می‌آمدند اما برای رعایت مصالح، گروهی از خیر خواهان امت اعلام کردند که بهتر است به همین چهار مذهب اکتفا شود تا ضمن حفظ روش‌های فقهی مشهور، گامی مهم در جهت اتحاد اسلامی برداشته شود. در اینجا مناسب است که به علت وجود پیروان مذهب حنفی و شافعی در ایران، امامان این دو مذهب را به اختصار معرفی کنیم.

### ۱- امام ابوحنیفه رحمته الله

امام اعظم النعمان بن ثابت (مشهور به ابوحنیفه) در سال ۸۰ هجری در کوفه به دنیا آمد و در ۱۵۰ هجری در بغداد درگذشت.<sup>۴</sup> امام اعظم به تحلیل دقیق کتاب (قرآن) و سنت و توجه به اهداف و مقاصد شریعت

---

۱- هر دو کتاب به زبان فارسی ترجمه شده‌اند. از دبیران محترم خواهش می‌شود این کتاب‌ها را در کلاس به دانش‌آموزان بیشتر معرفی کنند.

۲- از جمله، کتاب‌هایی مثل «الموسوعة الفقهية الاسلاميه» اثر مرحوم وهبة الزحيلي.

۳- توجه داشته باشیم که در گذشته (در عصر امامان اربعه و حتی بعد از آنها) فقهای بزرگی بوده‌اند که سبک مستقل فقهی داشته‌اند اما پس از اکتفای امت به فقهای اربعه، مذهب آن بزرگواران از میان مردم رخت برسته است؛ از جمله آن بزرگان می‌توان به سعید بن مسیب و طبری اشاره کرد.

۴- در کتب عربی نامش را «النعمان» ذکر کرده‌اند.

بسیار اهمیت می‌داد و در این راستا به قیاس نیز توجه نمود.<sup>۱</sup> ابوحنیفه مردی باهوش و متفکری ژرف‌اندیش بود و صریح و بی‌باک سؤالات شرعی همگان را با صراحت و شجاعت با ادله فقهی جواب می‌داد و از دین خدا دفاع می‌کرد. او در بحث و مجادله تبحر داشت و منطقی سخن می‌گفت. از لحاظ شخصیت ایمانی و عملی نیز بسیار ذاکر، مردمی و متواضع بود. سبک تحلیلی امام اعظم موجب شد پیشوایان مذهب حنفی در گذشته به اصول و قواعد فقه خدمات شایانی کنند. امروزه هم در مسائل دفاع از حقوق بشر و تبیین و توضیح مسائل آن، آرای فقه‌های حنفی در جهان اسلام حرف اول را می‌زند. از ویژگی‌های اخلاقی امام ابوحنیفه خودداری ایشان از توهین به رقبای خود و غیبت آنهاست؛ به طوری که اگر تمام کتب تاریخی را بررسی کنیم، حتی یک بار هم مشاهده نخواهیم کرد که ایشان زبان به دشنام، نفرین یا غیبت کردن از رقبای خود گشوده باشد. تاریخ مذاهب معترف است که از جانب ایشان هیچ واکنش تهاجمی نسبت به اصحاب حدیث دیده نشده است. کتاب «الآثار» از جمله آثار علمی ابوحنیفه رحمته الله است که احادیث در آن برحسب ابواب فقه مرتب گردیده و علامه سیوطی رحمته الله مدعی شده که حتی امام مالک در تبویب<sup>۲</sup> «موطأ» خویش از ابوحنیفه پیروی کرده است. ابوحنیفه مقلد پرور نبوده بلکه سعی می‌کرده که مجتهد پرور باشد و در این کار، موفق نیز بوده است؛ به همین سبب همیشه به شاگردانش سفارش می‌کرده است که تا دلایل را نرسیده‌اند، از او پیروی نکنند. یکی از ابتکارات ایشان روتق «فقه استدلالی» میان دین‌جویان و دور کردن آنان از اندیشه تقلید محض بود. به همین دلیل، قیاس و رأی که حنفیه بدان استناد می‌کنند، مستند و مستدل است و این گونه نیست که مثلاً امام ابوحنیفه بگوید این مسئله جوابش این است؛ چون من می‌گویم. نقل شده است که ایشان در طول عمرش ۵۵ مرتبه به حج رفته و مدت ۶ سال در مکه اقامت داشته و این اقامت بیانگر آگاهی ایشان از احادیث و فتاوی متداول مکه و مدینه است.<sup>۳</sup> پیروان مذهب امام اعظم در پاکستان، هند، بنگلادش و چندین کشور عربی و در ایران در سیستان و بلوچستان، خراسان، ترکمن صحرا (گلستان) و

۱- قیاس یکی از ادله اساسی فقه اسلامی است (گرچه در بین امت، مخالفانی هم دارد). شکل قیاس این گونه است که به خاطر وجود علتی (مثل زایل کردن عقل)، حکمی (مانند حرام بودن) به انجام دادن کاری (مثل مشروب خوردن) در دلیل شرعی (مثل قرآن و سنت) داده می‌شود. قرآن نوشیدن شراب را حرام می‌داند و از آیات این کتاب آسمانی فهمیده می‌شود که علت این تحریم، مستی آور بودن آن است و حاصل مستی، زوال عقل است. حال اگر شراب به صورت شکلات عرضه شود، آنچه اهمیت دارد مستی آور بودن آن است. بنابراین، شکلات جامد با شراب مایع مقایسه می‌شود و به علت مستی آوری مشترک، حکم حرام بودن به شکلات مذکور داده می‌شود؛ این فرایند اجتهادی را قیاس می‌گویند. اهمیت قیاس را آنجا می‌توان دریافت که هنگام آمدن موادمخدر به جوامع اسلامی، برخی از مردم استعمال آن را حرام نمی‌دانستند؛ چون معتقد بودند که در کتاب و سنت از آنها نامی برده نشده است؛ در حالی که تخدیر نوعی از انواع مستی است و این موارد را می‌توان با شراب مقایسه کرد.

۲- باب‌بندی کتابش

۳- السنه، سیاهی، ص ۳۸۵



همچنین بخشی از استان هرمزگان و کرمان زندگی می‌کنند. ضمناً باشکوه‌ترین مدارس دینی اهل سنت ایران، به‌خصوص شعب حفظ قرآنی، در مناطق حنفی‌نشین ایران است. از امام اعظم کتاب‌هایی جز کتاب الآثار، کتاب‌هایی به جا مانده است که از جمله آنها می‌توان «الفقه الاکبر» را نام برد.

## ۲- امام شافعی رحمته الله علیه

محمد بن ادریس الشافعی در سال ۱۵۰ هجری در فلسطین متولد شد و در سال ۲۰۴ هجری در مصر درگذشت. دو ساله بود که پدرش را از دست داد. در همان سال، مادرش او را به مکه (موطن اجدادش) برد و در آنجا پرورش علمی و ایمانی یافت؛ زبان و ادبیات عرب را آموخت و در هفت سالگی حافظ کل قرآن شد. نزد مسلم بن خالد، مفتی بزرگ مکه، علم دین و به‌ویژه فقه را آموخت. سپس، به مدینه رفت و در محضر امام مالک تحصیلاتش را ادامه داد. نزد آن بزرگوار در علم حدیث متبحر شد و کتاب «الموطأ» او را در مدت کوتاهی حفظ کرد. بعد از مرگ استاد بزرگش امام مالک، به یمن و پس از مدتی به بغداد کوچ کرد. در آنجا با سبک مخصوص علمای عراق (که اهمیت مخصوصی به رأی و اجتهاد می‌دادند) آشنا شد و با فقهای بغداد مناظرات جذابی داشت که مورد توجه اهل علم و ذوق قرار گرفت. در بغداد، امام احمد بن حنبل به خدمتش رسید و شیفته علم، ذکاوت، ادب و تعهد او شد. سپس، در سال ۲۰۰ هجری به مصر رفت و در برخی از آرا و نظراتش (که به مذهب قدیم مشهور است) تجدید نظر کرد و آرای جدیدی ارائه داد (به این نظرات امام شافعی «رأی جدید» می‌گویند). آن بزرگوار سرانجام در سال ۲۰۴ هجری در مصر به ابدیت پیوست.

امام شافعی انسانی وارسته، نکته‌سنج، ادیب، خوش قلم و سخنور بود و با تأمل سخن می‌گفت. هنگام سخن گفتن مطالب را شیوا و زیبا بیان می‌کرد و چنان می‌نوشت که خواننده مطالبش را از شنونده سخنانش حیران‌تر می‌ساخت.<sup>۱</sup> او مهارتش را در شعر و ادبیات به خدمت علوم دینی درآورد. شافعی عالمی وارسته بود و همگان به علم و تقوایش معترف بودند. فقه شافعی ضمن توجه به کتاب (قرآن) و سنت، به رأی و قیاس هم توجه زیادی دارد. در واقع، ادله عقلی و نقلی را با هم در آمیخته است. مردم مدینه در آن زمان امام شافعی را ناصر الحدیث می‌نامیدند؛ چون پیرو این نظریه بودند که:

جز به دستوری قال الله یا قال الرسول      ره مرو، فرمان مده، حاجت مگو، حجت میار<sup>۲</sup>  
کسانی که اهل اندیشه و قیاس و رأی محور بودند اما در عین حال، نص را هم رها نمی‌کردند، مذهب

۱- این تعبیر را علما برای آثار مکتوب امام شافعی به کار می‌برند و معنایش این است که وی زبانی شیوا و قلمی رساتر از زبان شیوایش داشته است.

۲- سنایی غزنوی

شافعی را بر می‌گزیدند؛ چون می‌دیدند که رأی در این مذهب جایگاه مهم و ویژه‌ای دارد :

بی‌نهایت کیش‌ها و پیشه‌ها جملهٔ ظل صورت اندیشه‌ها<sup>۱</sup>

پیروان مذهب شافعی در مصر، عربستان، مالزی و همچنین در ایران در استان‌های بوشهر، هرمزگان، فارس، کردستان، آذربایجان شرقی و غربی و کرمانشاه و استان‌های شمالی ایران ساکن‌اند. از امام شافعی کتب مختلفی به‌جا مانده که از جملهٔ آنها کتاب الام است.

#### اندیشه و تحقیق

- ۱- از سفرهای علمی امامان چهارگانه و ارتباط عاطفی و علمی آنها با هم، چه نتایجی می‌توان گرفت؟ توضیح دهید.
- ۲- منظور از ابراء چیست؟
- ۳- منابع اصلی استنباط احکام اسلامی کدام‌اند؟
- ۴- مجتهد در فهم احکام اسلام باید از چه علوم و موضوعاتی آگاهی داشته باشد؟
- ۵- دربارهٔ مذاهب کلامی (اشعری، ماتریدی معتزله و...) تحقیق کنید.



## درس هشتم

# امت واحده و بصیرت دینی



با اندیشه در قرآن و سنت متوجه می‌شویم که بنای دین اسلام بر وحدت و اتحاد است. وحدت یعنی یکی بودن و اتحاد یعنی یکپارچگی. تمام مسلمانان در توحید (یکناپرستی)، اعتقاد به خاتمیت رسول الله ﷺ و ایمان به قیامت وحدت نظر دارند. در آنجا هم که تفاوتِ نظر امری ناگزیر است (مانند مسائل فقهی و...)، اسلام به اتحاد و جمع شدن در اطراف ریسمان محکم الهی (توحید) و چنگ زدن به آن امر کرده است. باید بدانیم که تفاوت‌های فقهی هیچ‌گاه نباید مسلمانان را از هم پراکنده سازد. در عین حال، تفاوت در نظر، امری عادی و طبیعی است؛ تا جایی که به نقل از قرآن و طبق نص صریح آن، دو پیامبر در یک زمان (حتی با وجود رابطه پدر و پسر) با هم در داوری یک موضوع تفاوت نظر داشته‌اند<sup>۱</sup>.

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ. مؤمنون ۵۲

همانا این امت شما امتی واحد است و من پروردگار شما هستم. پس، از من پروا کنید.

۱- به آیات ۷۸ و ۷۹ سوره انبیاء بنگرید. اختلاف داود و سلیمان عليه السلام، پدر و پسری که هر دو پیامبرند و قرآن داوری هر دو را در حل یک موضوع، خوب می‌داند اما حکم سلیمان (پسر) را بر حکم داود (پدر) ترجیح می‌دهد.

در مورد اتحاد در مذاهب مختلف در عین حفظ اختلافات فقهی می‌توان به تابعی<sup>۱</sup> بودن امام اعظم علیه السلام اشاره کرد (توجه به این نکته هم لازم است که تابعی نزد همه مسلمانان جایگاهی محترم و والا دارد.) و به‌اینکه امام احمد بن حنبل علیه السلام شاگرد امام شافعی علیه السلام و امام شافعی هم شاگرد امام مالک علیه السلام است. این درس بزرگی برای تمامی امت است که بدانند آن بزرگان در عین تفاوت نظر در روبه و تحلیل مسائل فقهی، با یکدیگر رابطه صمیمی استاد و شاگردی داشته‌اند<sup>۲</sup>. نام فراگیر و شاملی که قرآن برای مسلمانان انتخاب کرده، «امت» است. امت یعنی توده‌هایی از مردم که با وجود تفاوت در زبان، قومیت، آداب و رسوم، در هدفی مهم مشترک‌اند و آن هدف، همه آنها را با هم جمع می‌کند. به همین سبب، می‌توان گفت امت اسلامی، امتی است که در عقیده پاک اسلامی با هم یکی شده‌اند. این امت، الگویی عملی دارد که پیش‌تاز کاروان آن است و همه پشت سر او حرکت می‌کنند. اینان با این پیشوای خدایی قرار است بهترین الگوی عملی برای تمام ملت‌ها و اقوام باشند.

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»<sup>۳</sup>

و این‌گونه شما را امتی میانه رو کردیم تا گواهانی [بر حقانیت اسلام] برای همه اقوام شوید و پیامبر نیز بر شما گواه باشد.

توجه کنیم که یکی از بسترهای شکل‌گیری اختلاف، غلو در دین است. قرآن با نهی غلو (خطاب به اهل کتاب) مسلمانان را نیز از غلو در دین نهی می‌کند و در این مورد می‌فرماید: «یا اهل الکتاب لاتغلو فی دینکم ... : ای اهل کتاب در دین خود غلو و زیاده‌روی نکنید»<sup>۴</sup>.

## تدبّر در آیه

با تدبّر در آیه مبارکه ۱۴۳ سوره بقره بگویید چه ویژگی‌هایی به امت پیامبر نسبت داده شده است؟

۱- وهبة الزحيلي در جلد اول «الفقه الاسلامی و ادلته» تصریح می‌کند که امام اعظم تابعی است.

۲- در کتب تاریخ فقه آمده است که امام شافعی به حرمت استادش، امام مالک، تا زمان حیات استاد از ذکر برخی از آرا خودداری می‌کرد.

۳- سوره بقره، آیه ۱۴۳؛ توضیح اینکه امت وسط یعنی امتی که از افراط و تفریط دوری می‌کند و وسط یعنی امتی که فضائل و ویژگی‌هایی مثل دادگری ایمان و حسنات دارد و شهدا هم یعنی نمونه‌هایی عملی که در دنیا برای دیگران الگو هستند و در قیامت هم در دادگاه الهی گواهی می‌دهند که برای الگو بودن در حد توان تلاش کرده و حقانیت دین را ثابت نموده‌اند.

۴- نهی از غلو در دین با عبارت «لاتغلو» در دو جای قرآن آمده است:

۱- سوره نساء، آیه ۱۷۱، ۲- سوره مائده، آیه ۷۷.

غلو اهل کتب این بود که به عیسی بن مریم و عزیر شخصیت خدایی دادند و آنها را به خاطر مقام رسالت و نبوت، فرزند خدا و یا در سطح خدا دانستند.

## جایگاه امت اسلامی

طبیعتاً هر قوم و ملتی می‌تواند براساس میزان پابندی خود به آنچه دارد از یک طرف و ارزش داشته‌اش از طرف دیگر، برای خود جایگاهی کسب کند، اما قرآن امت اسلامی را بهترین امت می‌داند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ.» آل عمران، ۱۱۰

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید؛ به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان آورند، قطعاً برایشان بهتر است. برخی از آنان مؤمن‌اند ولی بیشترشان از محدوده ایمان خارج می‌شوند و فاسق‌اند.

از این آیه چندین نکته استخراج می‌شود که در اینجا به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱- امت اسلامی بر اساس روند تکمیلی ادیان ابراهیمی، کامل‌ترین امت است؛ چون رسولش خاتم رسولان است.

۲- وصف آمر به معروف و ناهی از منکر بیانگر این است که این امت، اهل عمل است و امر به معروف و نهی از منکر زمانی در محضر خداوند پذیرفته است که انجام دهنده‌اش اهل عمل باشد.

۳- امر به معروف و نهی از منکر در صورتی تحقق پیدا می‌کند که همه مسلمانان به شکل یک امت باشند؛ یعنی حاکمیت اسلامی داشته باشند و یا کارشان گروهی، منسجم و سازمان یافته باشد.

۴- امت اسلامی آمر به معروف و ناهی از منکر، عملاً امتی دلسوز و صاحب احساس و مسئولیت است.

۵- از کلمه «لِلنَّاسِ» فهمیده می‌شود که امت اسلامی خود را در مقابل همه انسان‌ها مسئول می‌داند.

۶- از واژه «لِلنَّاسِ» همچنین می‌توان فهمید که امت اسلامی که به سود همه انسان‌ها کار می‌کنند و کار امر به معروف و نهی از منکر در واقع به مصلحت همگان است.

۷- در جهان امروز، فراموش کردن توحید و ایمان به زندگی ابدی، پوچ‌گرایی، دنیاپرستی و وجود اعتقادات انحرافی، دعوتهای دلسوز و صبور می‌طلبد که چراغی پر فروز برای زندگی برتر شوند و انسان‌ها را نجات دهند.

---

۱- درباره ترجمه و تفسیر واژه «أُخْرِجَتْ» نظرهای مختلفی داده شده است: از جمله، «أُخْرِجَتْ» یعنی «آفریده شده‌اید» و همچنین «أُخْرِجَتْ» یعنی برای دعوت آنها به نیکی‌ها و منعشان از بدی‌ها کار دعوت و تبلیغ را در پیش گرفته و به مناطق مختلف زمین خروج کرده‌اید.

۱- با اندیشیدن در آیه ۱۱۰ سورة آل عمران بنویسید که در زمان ما چه رویکردی به دین، انسان‌های مؤمن را در گروه بهترین امت قرار می‌دهد؟

## بصیرت و امت واحده

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»

یوسف، ۱۰۸

(ای پیامبر) بگو: این راه من است. با بصیرت به سوی الله دعوت می‌کنم؛ هم خودم و هم تمام کسانی که از من پیروی می‌کنند [دعوت‌مان بر بصیرت و بینش است] و خداوند از هر شریکی منزّه است و من از مشرکان نیستم.

در این آیه، دعوت پیامبر و یارانش دعوتی واضح و براساس بصیرت معرفی می‌شود. بصیرت، نوع نگرش صحیح به درخت دین اسلام است؛ درخت دین نظم، ترتیب، ریشه، تنه، شاخه‌ها، برگ‌ها و میوه‌هایی مرتب دارد و هر کدام از اینها در جای خود نیکو هستند. بنابراین، هر کس در اجرای امر به معروف، درخت دین را سر و ته کند و ابتدا به فروع دین و اخلاقیات بپردازد، دعوتش، قطعاً دعوت صحیحی نیست. امروزه و در این زمان حساس دوری از افراط و تفریط و انحراف از اهداف دین و پرهیز از تندخویی، خشونت، تحقیر اقوام و ملت‌ها، امری لازم و ضروری برای به‌جا آوردن امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به اسلام است.

## اتحاد امت اسلامی

اتحاد، شرط اساسی برای حیات طیبه<sup>۱</sup> امت اسلامی است. وجود رنگ‌ها، زبان‌ها، قومیت‌ها و ملت‌های گوناگون آیه‌ای از آیات رنگین خلقت است و نباید آن را دست‌مایه نزاع و اختلاف کرد. تنوع مذاهب اسلامی را باید تفاوت دیدگاه و منظر مجتهدان در پذیرش و تحلیل برخی از ادله شرعی (مثل احادیث، اجماع، قیاس و...) به حساب آورد نه اینکه با تحلیلی روانی و انگیزه‌ای، آن را به‌زمینه‌ای

۱- حیات طیبه اصطلاحی قرآنی است و مفهوم دقیق آن زندگی همراه با ایمان و عمل صالح و خود را فردی از مجموع عظیم امت دانستن است. زندگی ایمانی زندگی باکی است که ایمان به توحید و ابدیت، پایه‌های آن به شمار می‌آید. در این زندگی پاک، مؤمن خود را مأموری می‌داند که می‌خواهد بهترین برخورد را با خدا و خلق خدا داشته باشد.

برای کشمکش و نزاع تبدیل کرد. دین‌داری مراتبی دارد؛ در این مراتب، ابتدا فرد به درجهٔ اسلام می‌رسد و بعد از مدتی تعهد و پیشرفت، به مرحلهٔ ایمانی می‌رسد و پس از رشد بیشتر در اخلاص، تقوا و استقامت دینی به مرحلهٔ احسان می‌رسد. به دارندهٔ هر کدام از این مراتب به ترتیب مسلم، مؤمن و محسن می‌گویند و با توجه به این تقسیم‌بندی، به مجموعهٔ منسجم طبقات سه گانهٔ یاد شده «مسلمون، مؤمنون و محسنون» گفته می‌شود. تمام آحاد و طبقات امت اسلامی باید بدانند که رهروان شاهراهی به نام «صراط مستقیم» هستند. قرآن به همهٔ رهروان این راه پر برکت امر کرده است که به ریسمان محکم الهی (توحید) چنگ زنند و متفرق نشوند و بدانند که تفرقه از شاخصه‌های جاهلیت است و با تفاوت نظر در مسائل علمی و دینی و یا تنوع زبان و فرهنگ و قومیت فرق دارد.

«وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.» آل عمران، ۱۰۳

همگی به ریسمان خداوند چنگ بزنید و از اختلاف و تفرقه بپرهیزید و از نعمت خدا [دین اسلام] بر خود یاد کنید که زمانی با یکدیگر دشمن بودید و خداوند دل‌هایتان را به هم پیوند داد و به وسیلهٔ نعمت او با هم برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید و خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برایتان آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

برای توضیح بیشتر موضوع اتحاد اسلامی و تأمل بیشتر در قرآن، به چند نکته در این آیه اشاره می‌کنیم.

۱- امت اسلامی همانند کاروانی است که افراد آن به ریسمانی محکم نیاز دارند تا با چنگ زدن به آن از لغزش و ترک مسیر اصلی در امان بمانند.<sup>۱</sup>

۲- مفسران قرآن حَبْلُ اللَّهِ را دین خدا و پیمانی می‌دانند که مؤمنان با خدا بسته‌اند (پیمانِ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ).<sup>۲</sup>

۳- فلسفهٔ وجودی حبل (ریسمان)، استفاده از آن برای نجات یافتن از عدم تعادل و دوری از اعتدال است. حبلِ اللَّهِ، روندهٔ راه را مسلط می‌کند و مانع انحراف او به چپ و راست می‌شود و این همان معنای اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ است.

۴- متحد شدن یک وظیفهٔ همگانی است؛ چون همهٔ مسلمانان به آن امر شده‌اند (وَاَعْتَصِمُوا).

۱- این مطلب را فخر رازی با بیانی شیوا در تفسیر خود از این آیه ذکر کرده و البته به جای کاروان، «طریق دقیق» را آورده است.

۲- و سایر پیمان‌های موجود در قرآن، که البته همگی در آیهٔ ۵ سورهٔ حمد جمع می‌شوند.

- ۵- محور اتحاد امت اسلامی کتاب، سنت و مجموعه منسجم دین و پیمان مسلمانان با خداست. البته زبان و نژاد، همگی در دین خدا محترم اند و دین از شکوفایی جوانب مختلف آنها حمایت می کند. دین تنوع زبان، رنگ و نژادهای انسانی را فرصتی برای الفت می داند نه تهدیدی برای برهم زدن یکپارچگی مسلمانان.
- ۶- اتحاد، نعمت بزرگ خداوند است که باید آن را ارج نهاد و از آن یاد کرد (وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ).
- ۷- تفرقه، گودال و پرتگاه آتش و نابودی است (وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ).

## بیشتر بدانیم

### اهداف امت اسلامی

- (الف) فلاح و رستگاری: قرآن کریم می فرماید: وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ<sup>۱</sup>.
- (ب) ترویج خیر و معروف در جهان و نابودی شر و منکر: سورة آل عمران می فرماید: شما بهترین امت در میان انسان ها هستید؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.
- (ج) استقرار دین خدا در جهان: در قرآن کریم آمده است: هو الذي ارسل رسوله بالهدى و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه؛ خداست که رسول خود را با دین حق و هدایت فرستاد تا او را بر همه ادیان عالم برتری دهد.<sup>۲</sup>
- (د) استقرار حاکمیت بندگان صالح خدا در زمین: خداوند در قرآن کریم می فرماید: اَنَّ الْاَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصّٰلِحُونَ؛ زمین را سرانجام بندگان صالح من، به ارث می برند.<sup>۳</sup>
- (ه) نجات مستضعفان و محرومان: وَنُرِيدُ اَنْ نَّمُنَّ عَلَى الَّذِیْنَ اسْتَضَعِفُوْا فِی الْاَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ اٰیَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِیْنَ؛ و ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.<sup>۴</sup>
- عوامل اتحاد اسلامی:
- ۱- اتحاد عقیده؛ ۲- اتحاد در فروع دین؛ ۳- اتحاد در اصل هدایت و رهبری؛ ۴- اتحاد هدف و آرمان مشترک؛ ۵- اتحاد در فرهنگ و تمدن.

۱- سورة مائدة، آیه ۳۵

۲- سورة توبه، آیه ۳۳

۳- سورة انبیاء، آیه ۱۰۵

۴- سورة قصص، آیه ۵



درباره عملکرد دین ستیزان در گذشته و عصر حاضر تحقیق کنید و سپس توضیح دهید که آنها برای تضعیف امت اسلامی و ایجاد تفرقه میان آنان چه برنامه‌هایی را دنبال می‌کنند.

### اندیشه و تحقیق

۱- عمده‌ترین کار پیامبر ﷺ در مدینه برای ایجاد اتحاد در بین صحابه چه بوده است؟  
در این باره تحقیق کنید.

۲- قرآن برای قبیح نشان دادن تفرقه از چه تعبیراتی استفاده می‌کند؟

۳- چگونه می‌توان به مراتب دین‌داری رسید؟ به ترتیب شرح دهید.



## درس هفتم



### زمینه‌های تفرقه و جدایی مسلمانان

کلمهٔ اختلاف در لغت به معنای «پشت به هم کردن» و «هر کدام راهی را رفتن» است<sup>۱</sup>. این معنی در قرآن علاوه بر واژهٔ اختلاف، با واژگانی مثل تنازع (کشمکش) یا جدال (حریف مقابل را به میدان کشیدن)، نزغ (فساد برانگیختن و دوبه هم زنی) و.... نیز آمده است. مهم این است که درگیری، نزاع و مقابلهٔ انسان‌ها با هم ناپسند است و پیامدهای ناگواری دارد؛ آرامش و آسایش انسان را از او سلب می‌کند و در موارد بسیاری به قتل و کشتار منجر می‌شود. چون تأمین آسایش و آرامش و حفظ جان افراد و جوامع از اهداف اساسی اسلام است، در آیات قرآنی از انواع اختلاف نهی شده است.

ریشه و منشأ اختلافات، گوناگون است و به همین سبب، اختلاف انواع متفاوتی دارد. در اینجا به چند نوع مشهورتر آن اشاره می‌کنیم و سپس آنها را به اختصار توضیح می‌دهیم.

۱- معنای دوم اختلاف، پشت سر هم آمدن است. در آیه ۱۹۰ سورهٔ آل عمران پشت سر هم آمدن شب و روز «اختلاف اللیل والنهار» نامیده شده است. معنای سوم اختلاف، کشمکش و نزاع است، در سورهٔ شوریٰ واژهٔ اختلاف در قالب فعل ماضی به همین معنا آمده است: «وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكِّمُوهُ إِلَى اللَّهِ» (شوری، ۱۰). «شما در هر موردی که با هم نزاع کنید، باید داوری و حکمش را به خدا ارجاع دهید.»

## ۱- اختلاف شیطانی

از چندین آیه قرآن فهمیده می شود که شیطان با جانبداری از فقر، فحشا، شراب، قمار، تقویت حس حسادت، ایجاد کینه با ترغیب انسان ها به حرف زشت زدن و نزاع و کشمکش، آنها را تحریک می کند. قرآن در آیه ۵۳ سوره اسراء می فرماید :

«وَقُلْ لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا»

به بند گانم بگو به بهترین وجه با هم سخن بگویند. قطعاً شیطان در بینشان فساد و تباهی و اختلاف

ایجاد می کند. شکی نیست که شیطان دشمن آشکار انسان است.

قرآن در این آیه، کار شیطان را نزع می نامد و نزع (همان گونه که در تفاسیر و کتاب های لغت آمده) به معنی دو به هم زنی و ایجاد فساد است. راه حل برخورد با اختلاف شیطانی، بی توجهی به وسوسه های شیطان و مقابله با او با توسل به اندیشه، همت و تکلف عملی است. تکلف عملی این است که انسان خود را به مخالفت عملی با وساوس شیطانی وادارد و برخلاف میل شیطان عمل کند، و با بندگان خدا به بهترین وجه سخن بگوید.

### تدبیر در آیه

۱- با تدبیر در آیه مبارکه ۵۳ سوره اسراء بگویند دشمن مشترک و آشکار انسان ها کیست؟ (با

هم گروهی های خود در مورد راه های دشمنی او با انسان ها تحقیق کنید.)

۲- قرآن راه نجات از نزع و فساد و اختلاف را چه می داند؟

## ۲- اختلاف فرعونی

اختلاف فرعونی حاصل تسلط فرعونیان بر سرنوشت و جان و مال مردم است. سیاست و روش فرعونیان این است که انسان ها را به دو دسته شهروند درجه یک و شهروند درجه دو تقسیم کنند و درجه اولی ها را به جان درجه دومی ها ببندازند تا خود بتوانند بر هر دو حکومت کنند. (قرآن این سیاست را استخفاف یعنی تحقیر و سبک کردن انسان ها می نامد.) این مطلب در آیه ۴ سوره قصص تصریح شده است.

«وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِعُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ»

و مردم آن را طبقه طبقه ساخت. طبقه ای از آنان را زبون و ضعیف می داشت؛ پسرانشان را سر

می برید و زنانشان را [برای بهره کشی] زنده بر جای می گذاشت.» قصص، ۴

فرعون قبطی‌های مصر را بر سبطی‌ها حاکم نمود و آنها بی‌رحمانه سبطی‌های ستم‌دیده را آزار می‌دادند و استثمار می‌کردند. فرعون پسران بنی اسرائیل را می‌کشت و دختران را برای کار اجباری و بردگی زنده می‌گذاشت. راه برخورد با اختلاف فرعونی، آگاهی‌دادن به توده‌های مردم و مقاومت کردن در مقابل سیاست‌های اختلاف‌برانگیز فرعونیان است.

### ۳- اختلاف نژادی، زبانی و قومیتی

قرآن کریم تفاوت رنگ و زبان انسان‌ها را آیه و نشانه عظمت خالق و مایه تفکر دانایان می‌داند. به راستی، آیا انسان‌های سفید، سرخ، سیاه و زردپوست و اقوام و قبایل گوناگون، تابلوهای رنگین خداوند در نمایشگاه بزرگ هستی نیستند؟ آری، وجود این همه زبان و لهجه در میان مردم روی زمین آثار صنع الهی است نه بستری برای تفرقه و نزاع. بشر با نگرش نادرست به این امر مهم، جنگ‌ها برافروخته است، دل‌های زیادی را شکسته و روح‌های بسیاری را آزرده و خون‌های فراوانی ریخته است. برای رفع این اختلاف‌های واهی، باید این تنوع در خلقت را نشانه‌ای از قدرت الهی دانست. هیچ انسانی در تعیین رنگ پوست، نژاد و قومیت خود دخیل نیست؛ مگر نه این است که مطابق آیه قرآن در سوره حجرات، این خلقت با کلمات «خلقنا : آفریدیم» و «جعلنا : قرار دادیم»، کار خداوند دانسته شده است؟<sup>۱</sup>

بنابراین، باید با تفاوت‌های زبانی، قومی، نژادی و قبیله‌ای آگاهانه برخورد کرد و با همگان با لطف و محبت ایمانی رفتار نمود؛ همان‌گونه که رسول رحمت و رأفت با بلال حبشی، صهیب رومی، سلمان فارسی، کابان کردی و... برخورد می‌کرد.

### ۴- اختلاف دینی

قرآن شریعت آسمانی را منشأ تمام ادیان آسمانی می‌داند.<sup>۲</sup> همچنین، همه پیروان این ادیان

---

۱- سوره حجرات آیه ۱۳: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و به صورت تیره‌ها و قبیله‌های متفاوت در آوردیم تا یکدیگر را بشناسید. قطعاً گرامی‌ترین شما در محضر خداوند با تقواترین شماست.

۲- سوره شوری، آیه ۱۳: خداوند آیینی را برای شما مؤمنان بیان و روشن نموده که آن را به نوح توصیه کرده است؛ همان دینی که آن را به تو، ابراهیم، موسی، و عیسی سفارش کرده‌ایم..... توجه کنید که تشریع یعنی قانون‌گذاری و ترسیم برنامه زندگی.

را مُسلم می‌نامد<sup>۱</sup>. این شیوه نام‌گذاری به معنای آن است که تمام پیروان ادیان ابراهیمی باید تسلیم خداوند شوند و موحد گردند. از طرف دیگر، قرآن برنامه توحید را برنامه مشترک پیروان رسول الله و نیز برنامه اهل کتاب<sup>۲</sup> می‌نامد<sup>۳</sup> و اهل کتاب را بسیار واقع‌بینانه تقسیم می‌کند و تعهد گروهی از آنان را به عبادت خدا، تلاوت آیات خدا و سجده کردن در نیمه‌های شب می‌ستاید<sup>۴</sup>. با توجه به تمام اینها درمی‌یابیم که دیدگاه قرآن، دیدگاهی عادلانه و منصفانه است. طبیعتاً برخورد با اهل کتاب در سنت هم، همین گونه است. پیامبر همه انبیای الهی را برادران خود می‌دانست؛ همواره با احترام از آنها یاد می‌کرد و یکی از اولین اقداماتش در مدینه، اعلان صلح با اهل کتاب ساکن آنجا بود. اگرچه اهل کتاب بارها علیه پیامبر و صحابه توطئه کردند، بر آنها دروغ بستند و نسبت به آنها بی‌ادبی کردند و حتی با مسلمانان جنگیدند و پرچم جنگ را برافراشتند؛<sup>۵</sup> طوری که پیامبر و صحابه در نهایت مجبور شدند با آنها مقابله کنند. با وجود این، مسلمانان از جاده حق و صواب خارج نشدند. قرآن حتی با مشرکان هم منصفانه برخورد کرد و فراتر از این، به پیروانش امر کرد که به مشرکان ناسزا نگویند<sup>۶</sup>. بنابر تمام این دلایل، اسلام دین صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است و پیروی از دین اسلام به معنای برافراشتن پرچم جنگ علیه پیروان ادیان دیگر نیست. قرآن می‌فرماید:

«خداوند شما را از رفتار نیکو با کسانی که (به‌خاطر دین) با شما نجنگیدند و شما را از شهر و دیارتان بیرون نکردند، منع نمی‌کند. با آنها به نیکی و عادلانه رفتار کنید؛ چون خداوند عادلان و نیکومثشان را دوست دارد، بلکه خداوند شما را از این منع می‌کند که با کسانی دوستی کنید که (به‌خاطر تعصبات دینی خود و ضدیت با دینتان) با شما جنگیدند و شما را از شهر و دیارتان بیرون راندند و برای بیرون کردن شما، دیگران (یعنی مشرکان) را یاری کردند.»<sup>۷</sup>

بنابراین، تفاوت دین نمی‌تواند دست مایه‌ای برای جنگ و جدل و خون‌ریزی و بغض و کینه باشد و

۱- به آیات ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۳۲، سوره بقره و آیات ۵۲، ۶۷، ۸۴، سوره آل عمران، سوره مائده آیه ۱۱۱، انعام آیه ۱۶۳، یونس آیه ۸۴ و ۹۰، سوره عنکبوت آیه ۴۶ مراجعه کنید.

۲- به یهود و نصاری در اصطلاح قرآن «اهل کتاب» می‌گویند؛ یعنی کسانی که پیرو تورات و انجیل اند.

۳- سوره آل عمران، آیه ۶۴

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۱۳

۵- جنگ احزاب یکی از بارزترین این موارد است.

۶- سوره انعام، آیه ۱۴۱

۷- سوره ممتحنه، آیه ۸ و ۹

همان طور که گفتیم، تاریخ اسلام ثابت کرده است که مسلمانان با تمسک به قرآن و سنت، بهترین رفتار را با اهل کتاب و پیروان سایر ادیان داشته‌اند<sup>۱</sup>. امروزه هم مسلمانان باید از تحریک ناهلان متأثر نشوند و رأفت و رحمت اسلامی را فراموش نکنند.<sup>۲</sup>

ما به عنوان پیروان کتاب (قرآن) و سنت باید با اهل کتاب با مهربانی و عدالت رفتار کنیم، پیروان سایر ادیان را به عنوان انسان بپذیریم<sup>۳</sup> و بدانیم که جلوه‌های اجتماعی و اخلاقی اسلام، مکمل جلوه‌های فردی و عبادی آن در شخصیت فرد مسلمان است و هر نوع کوتاهی عمدی در این زمینه خیانت به دین خدا محسوب می‌شود.

## ۵- اختلاف مذهبی

ابتدا باید بدانیم که تفاوت در رأی و نظر امری کاملاً طبیعی است. اختلاف نظر فقها و مجتهدان امت به دلیل انسان بودن آنها و تفاوت در تحلیل‌ها و پذیرش ادله شرعی، امری بسیار طبیعی است. مسئله این است که بدانیم فقه‌های مذاهب در چند امر مشترک با یکدیگر هم مسیرند:

۱- همگی مؤمن و عالم بوده‌اند؛

۲- تفاوتشان در رأی و اجتهاد براساس علم و پیروی کردن از سبک‌های اجتهادی بوده است. از طرف دیگر، خود کتاب و سنت هم تفاوت در اجتهاد را تأیید کرده‌اند. پیامبر در تأیید تلاش و زحمت علمی و دینی مجتهدان، حاکم و مجتهدی را که حکم و فتوایش مطلوب و صحیح بوده است، دارای دو اجر، و مجتهدی را که با وجود تلاش، در پیدا کردن حکم درست خطا می‌کند، دارای یک اجر می‌داند<sup>۴</sup>.

---

۱- رفتار شخص رسول الله ﷺ، خلفای راشدین، اموی‌ها به‌خصوص عمر بن عبد العزیز، عباسیان و عثمانی‌ها (به ویژه سلطان عبدالحمید ثانی) بهترین نمونه و الگو برای مسلمانان معاصر است.

۲- سال‌هاست که سیاستمداران بیمار دل می‌خواهند پیروان ادیان ابراهیمی را به جنگ و خونریزی وادارند و در این میان، کارنامه درخشان مسلمانان را مخدوش کنند. حاصل تحریک‌پذیری مسلمانان در مقابل این شیطنت‌ها، کشته شدن جوانان مسلمان از طرفی و خشن جلوه کردن دین اسلام از سوی دیگر است که طبعاً هر دو به ضرر مسلمانان است.

۳- توصیه امیرالمؤمنین، در نامه مشهورش به والی مصر.

۴- در سورة انبیاء آیات ۷۸ و ۷۹ ماجرای نقل شده است که می‌تواند مبین طبیعی بودن تفاوت در رأی و نظر باشد. ماجرا از این قرار است که گوسفندان فردی شبانه وارد تاختستان شخصی دیگر می‌شوند و آن را خراب می‌کنند. صاحب تاختستان به داود نبی شکایت می‌کند، و داود ﷺ حکم می‌کند که تمام حیوانات به صاحب تاختستان تحویل داده شوند تا خسارت او جبران گردد. بعد از این قضاوت، هر دو فرد از خانه داود خارج می‌شوند. پسر داود، یعنی سلیمان نبی ﷺ، وقتی حکم پدرش را می‌بیند، به او می‌گوید که قضاوتش را تعدیل کند. پدر می‌گوید چگونه؟ سلیمان ﷺ می‌گوید گوسفندان را به صاحب باغ بده تا از شیر و پشم آن استفاده کند و باغ را به صاحب گوسفندان بسیار تا خسارت‌های

« إِذَا حَكَمَ الْحَاكِمُ فَاجْتَهَدَ ثُمَّ أَصَابَ فَلَهُ أَجْرَانِ وَإِذَا حَكَمَ فَاجْتَهَدَ ثُمَّ أَخْطَأَ فَلَهُ أَجْرٌ »<sup>۱</sup>

## علل تفاوت احکام فقهی مذاهب مختلف :

زاویه نگرش انسان ها به یک موضوع می تواند موجب تفاوت نظر آنها با یکدیگر شود. این موضوع در علم فقه هم دیده می شود؛ بنابراین، به راحتی می توان به علل ایجاد کننده آراء متفاوت فقها و مجتهدان (در مسئله واحد) اشاره کرد. ما در اینجا سه علت را بیان می کنیم.

۱- تفاوت در پذیرش ادله<sup>۲</sup> (دلیل های شرعی)؛

۲- تفاوت در تحلیل و تفسیر ادله<sup>۳</sup>؛

۳- تفاوت در تحلیل لغات نصوص قرآن و سنت<sup>۴</sup>.

پدید آمده را اصلاح کند و تاکستان را به حالت قبل برگرداند. وقتی باغ به حالت اولش برگشت، آن را به صاحب باغ پس بده و از طرف مقابل هم بخواه که گوسفندان را به صاحبش برگرداند. قرآن ضمن تأیید هر دو قضاوت (داود و سلیمان علیه السلام) در جمله ای زیبا می فرماید: «به هر دو مهارت قضاوت و علم دادیم» و رأی سلیمان را بهتر می داند (و فهم بهتر را به سلیمان دادیم). در توضیح قضاوت داود علیه السلام گفته شده که او میزان خسارت وارده بر زمین را معادل قیمت گوسفندان بر آورد کرده و بنابراین، قضاوتش درست است. از طرف دیگر، صاحب گوسفندان تقصیر و کوتاهی عمدی کرده، چون در شب از گوسفندانش محافظت نکرده و این تقصیر موجب خسارت دیدن زمین کشاورزی شده، اما سلیمان نبی علیه السلام میزان خسارت را معادل منافع یک سال گوسفندان دانسته است. بنابراین، قضاوت براساس حق و عدل بوده و از جهت دیگر در دیدگاه او مسئله جبران و اصلاح هم در نظر گرفته شده است؛ چرا که ریشه بونه ناک از بین نرفته و قابل اصلاح بوده است. نکته جالب بحث این است که: داود و سلیمان علیه السلام که هر دو پیامبر بوده اند، پدر و پسرند؛ بنابراین، ممکن است دو مجتهد که پدر و پسر و هر دو پیامبرند، با هم اختلاف داشته باشند. پس، اختلاف ائمه مذاهب و شاگردانشان در مسائل فقهی بسیار طبیعی است؛ چون هیچ کدام از آنها نسبت پدر و پسر با هم ندارند و هیچ کدام پیامبر هم نیستند! وقتی خداوند دو حکم متفاوت را می پذیرد، چرا ما احکام متفاوت ائمه را که نتیجه تأمل و علم و اجتهاد ایشان است، نپذیریم و با آنها نزاع کنیم؟ متأسفانه امروزه برخی افراد تفاوت در نظرات را بهانه ای برای دین گریزی قرار می دهند؛ حال آنکه این موضوع در تمام زمینه های علوم انسانی و حتی در بعضی زمینه های علوم تجربی هم دیده می شود.

۱- سنن نسایی، حدیث صحیح، مسند احمد ۱۷۷۷۴، صحیح بخاری ۷۳۵۲، سنن ابی داود ۳۵۷۴، صحیح مسلم ۱۷۱۶، سنن ابن ماجه

۲۳۱۴

۲- تفاوت و حکم مربوط به صحت صلاة التسبیح یکی از مصادیق این مورد است. توضیح اینکه بسیاری از اهل علم، حدیث صلاة التسبیح را در حدی نمی دانند که به آن استناد شود؛ لذا این نماز را مشروع نمی دانند و گروهی هم حدیث را پذیرفته اند و نماز مذکور را مشروع می دانند.

۳- در حکم باطل بودن روزه فردی که در طول روز حجامت می کند، قضیه این است که فقها در مورد حدیث آن نظرات متفاوتی داده اند.

۴- مانند تفسیر حدیثی که در موطای امام مالک آمده که پیامبر در مکتوبی که امر نمود برای عمرو بن حزم بنویسند، فرمود: «لَا يَمَسُّ الْقُرْآنَ إِلَّا طَاهِرٌ». توضیح اینکه به نظر برخی از فقها منظور از قرآن، قرآنی آسمانی است که ملائکه پاک خدا آن را حمل می کنند. گروهی دیگر قرآن را قرآن های زمینی و مورد استفاده مردم و طاهر را کسی می دانند که غسل دارد.

## روش صحیح برخورد پیروان مذاهب باهم

پیروان مذاهب اسلامی باید بدانند که همگی در کاروان ایمان هستند و تفاوت در آراء فقهی نباید قلب آنها را از هم دور کند. کافی است به همایش بزرگ و روح پرور حج بیندیشیم که چگونه همگی آنها در صف‌های پر از لطف و صفا در کنار هم نماز می‌خوانند و طواف و سعی و سایر اعمال را انجام می‌دهند. مگر نه این است که حاجیان نمایندگان تمام امت در آن عبادت پر از رمز و رازند؟ آیا در حج که نمونه‌ای زیبا از کل اسلام است، تفاوت مذهبی توانسته است صفوف حجاج را بر هم زند؟ از طرف دیگر، مگر نه این است که امت اسلامی سابقون در ایمان را مقربان می‌دانند؟ مگر امام اعظم به نظر بسیاری از اهل علم تابعی نیست و تابعین نسل دوم امت اسلامی نیستند؟<sup>۱</sup> مگر منبع اصلی تمام فقها به خصوص ائمه اربعه در استنباط احکام، کتاب و سنت نیست؟ بنابراین ادله و دها دلیل دیگر می‌توان با قاطعیت گفت که جایی برای اختلاف<sup>۲</sup> یا بزرگ نمایی اختلافات جزئی باقی نمی‌ماند.

پیروان مذاهب اسلامی باید بدانند که از کنگره آسمان آنها را ندا داده‌اند که :

وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ همگی به رِسمان محکم الهی چنگ زنید و متفرق نشوید.

## ۶- اختلاف طبقاتی

منظور از اختلاف طبقاتی تفاوت اقشار مختلف مردم در محدوده رفاه است. در یک دسته‌بندی کلی انسان‌ها را از نظر برخورداری از رفاه می‌توان به سه دسته فقیر، متوسط و ثروتمند تقسیم کرد. در مورد اختلاف طبقاتی باید توجه کرد که روش قرآن این است که معمولاً همراه با امر به صلات به ادای زکات هم امر می‌کند و به قول مفسران، قرآن می‌خواهد رابطه انسان را با خدا به وسیله صلات و رابطه مؤمن را با دیگران با زکات و عبادات مالی گرم و صمیمی کند. چنین دینی چگونه می‌تواند به انسان‌ها اجازه دهد به خاطر تفاوت طبقاتی با همدیگر تنازع و کشمکش کنند، یکدیگر را تحقیر کنند و یا به یکدیگر ستم روا دارند. راه پرهیز از اختلافی که ریشه در تفاوت طبقاتی دارد، تفکر به مفاهیم والای اسلامی در زمینه مساوی بودن قدر و منزلت مسلمانان است.

---

۱- کتاب: الفقه الإسلامي وأدلته (الشمائل للأدلة الشرعية والآراء المذهبية وأهم النظريات الفقهية وتحقيق الأحاديث النبوية وتخریجها) المؤلف: أ. د. وهبة بن مصطفى الزحيلي،

۲- به معنی نزاع و کشمکش نه تفاوت.



## ۷- اختلاف حزبی<sup>۱</sup>

حزب در لغت به معنای تجمّع است و به مجموعه‌ای از مردم که حول عقیده‌ای جمع شده‌اند، حزب می‌گویند. در اصطلاح علم سیاست، به سازمان‌های سیاسی که در پی تأثیرگذاری بر حکومت‌اند، حزب گفته می‌شود.<sup>۲</sup> پیوستن به احزاب محاسنی دارد که از جمله آنها پشتیبانی اعضا از فرد و قوت یافتن فرد با پیوستن به جمع است.<sup>۳</sup> با وجود این نقطه قوت، پیوستن به حزب گاه خالی از اشکال نیست. یکی از بلاهای پیوستن به حزب، تحرّز به معنای منفی آن است. تحرّز در معنای مثبت آن پیوستن به حزب است اما گاهی به دسته‌بندی انسان‌ها و ایجاد مرزبندی و پراکندگی در میان صفوف انسان‌ها و تعصب بیجا، گفته می‌شود. در این صورت فردی که دچار تحرّز شده است؛ از دیگران دور می‌شود، نسبت به سایر انسان‌ها زاویه پیدا می‌کند و به شیوه‌ای صرفاً عاطفی و به دور از تعقل از افراد هم حزبی خود دفاع می‌کند. گاهی کار به جایی می‌رسد که اخوت اسلامی فراموش می‌شود و مفاهیم وسیع اسلامی در چارچوبی تنگ محصور می‌گردند و این مسئله‌ای است که دلسوزان امت از آن منع می‌کنند. امروزه امت اسلامی، احزاب و جناح‌های بزرگی دارد که پیوستن به آنها (اگر به اثبات خود و نفی دیگران تفسیر و تعبیر شود) در نهایت به محدوده اختلاف مذموم و ناپسند می‌رسد.

در اینجا لازم است به برنامه‌های پیامبر ﷺ در مدینه توجه کرد. رسول مودت و رحمت در میان مهاجران و انصار مدینه پیمان برادری برقرار نمود و برای عاطفی کردن بیشتر این پیمان، آنها را، دو نفر دو نفر برادر اعلام کرد. این برنامه در تاریخ اسلام «اِخاء» نامیده می‌شود.

راه برخورد صحیح با آفات همسویی با احزاب این است که بدانیم ما به عنوان مسلمان مأموریم که در طول شبانه روز حداقل نه بار در تشهد به تمام مسلمانان سلام دهیم و این بدان معناست که تفاوت‌های حزبی هم نمی‌تواند تمسک مسلمانان به صراط مستقیم را به هم بزند. باید بدانیم که مصالح جمعی مسلمانان و اعتصام آنها به حبل خداوند، مقدم بر مصالح حزبی و گروهی است.

### سخن آخر درباره دوری از اختلاف:

بسیاری از واژگان کلیدی اسلام حامل مفاهیم صلح، آرامش و نیکی کردن است.<sup>۴</sup> زندگی پرخیر

۱- اختلاف جنسیتی، صنفی و طبعی هم از دیگر انواع اختلاف است که توسط انسان‌ها موجب نزاع و کشمکش می‌شود.

۲- در جهان این تأثیرگذاری معمولاً از طریق نامزد کردن افرادی با دیدگاه‌های همسو با حزب برای به‌دست آوردن مسئولیت و مناصب سیاسی صورت می‌پذیرد.

۳- الکساندر دوما، شعار «یکی برای همه، همه برای یکی» را شعار گروه کوچکی از تفنگ‌داران ذکر کرده است. امروزه به‌نظر می‌رسد که افراد امتیاز ملحق شدن به حزب را با این شعار بیان می‌کنند.

۴- واژگانی مثل اسلام، مسلم، ایمان، مؤمن، دارالسلام (سرای صلح و سلامتی یکی از نام‌های بهشت است).

و برکت رسول الله ﷺ و آموزه‌های گهربار قرآن و سنت هم سرشار از مفاهیم دوستی، الفت، مهر، محبت و انس و اتحاد است. همه اینها نشان می‌دهند که هر کس دین اسلام را به گونه‌ای صحیح و همراه با اشراق درونی بفهمد، از تنازع، درگیری و اختلاف دوری می‌کند.

#### بیشتر بدانیم

در برابر اندیشه وحدت و اتحاد، اندیشه تفرقه افکنی و ایجاد چند دستگی قرار دارد. همگان جمله معروف «تفرقه بینداز و حکومت کن» را شنیده‌ایم. شاید باور این نکته چندان آسان نباشد که به رغم تصور بسیاری از افراد، این روش منحصرأ ابزار استثمار و استعمار برای سلطه‌گری بر ملت‌های عقب مانده و غارت آنهاست و به کارگیری آن قدمتی چندین هزارساله دارد. در قرآن کریم آمده است که «فرعون در زمین برتری جویی کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود». این شاهد قرآنی، خود مؤید گفته بالاست که استفاده از ابزار تفرقه افکنی پیشینه‌ای به قدمت طغیان و برتری طلبی انسان و بهره‌کشی او از هم‌نوع خود دارد. با اندیشه کردن در این مسئله تاریخی، وحدت کلمه و اعتصام همگانی به ریسمان الهی و نیز مخالفت طاغوت‌ها با پیام آوران این دعوت آشکار می‌شود. مردمان یا هم کیش‌اند یا هم‌نوع، و باید به دنبال راهی برای همراهی و همیاری بود. دشمنان این را نمی‌خواهند و بذره‌های تفرقه را می‌پروراندند. فرومایه آن کس که ناخواسته در این کشتزار به بیگاری گرفته شده است؛ شیعه نام باشد یا مدعی «سنت». در سایه اخوت و برادری است که مصیبت‌ها آسان می‌شود. وحدت است که پویایی می‌آفریند. باید به قرآن بازگردیم و هویت گم‌گشته خویش را بازشناسیم. باید به ریسمان الهی چنگ زنیم و از ناملايمات هراسی به دل راه ندهیم که اگر خدا را باور کنیم و دل به آنچه در کتاب او آمده بسپاریم، نه سست خواهیم شد نه اندوهناک.

#### تکمیل کردن

درباره اوضاع نامناسب سیاه‌پوستان در جوامع غربی، به خصوص آمریکا، تحقیق کنید.

- ۱- با اندیشیدن دربارهٔ عبادت با شکوه حج، بنویسید که تعامل مسلمانان با هم (با وجود مذاهب و آراء مختلف فقهی) باید چگونه باشد؟
- ۲- آثار و نتایج زیان بار تفرقه چیست؟ چند مورد را نام ببرید.
- ۳- تفاوت‌های موجود میان اقوام و مذاهب در کشور را چگونه می‌توان به فرصتی برای اتحاد تبدیل کرد؟



## درس هشتم

# زندگی در پرتو اخلاق اسلامی

یکی از مهم‌ترین ثروت‌های انسان، اخلاق ستوده است و ارزشمندترین این نوع ثروت، اخلاق اسلامی است.<sup>۱</sup> اخلاق اسلامی به مجموعه آداب و منش‌های فردی و اجتماعی گفته می‌شود که با تکیه بر تنه درخت محکم دین، اصالت می‌یابد و میوه رفتار صحیح را در وجود مؤمن به بار می‌آورد. اخلاق فرد مسلمان معامله یا رفتاری سطحی و مصلحت‌گرایانه نیست. او مؤمن است و آب حیات در وجودش جریان دارد؛ به همین سبب، سخنانش مهرآمیز و نگاهی‌ش پر از عطف و بر خوردش گرم و صمیمی است. توحید و ایمان به قیامت، رنگ و بویی خدایی به گل وجودش داده است.

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» قصص، ۸۳

«ما آن سرای آخرت را برای کسانی برپا می‌کنیم که در زمین، خواهان هیچ نوع تکبر و استکبار

و فساد و تباهی نیستند [و دل‌هایشان از آلودگی‌های مقام‌طلبی، خود بزرگ بینی و تباہکاری، پاک است]

و عاقبت و پایان خیر فقط مخصوص پرهیزگاران است.»

۱- دبیران و دانش‌آموزان عزیز دقت کنند که هدف از این درس، تعریف علم اخلاق و تقسیم موضوعات و ذکر سیر تحول آن نیست بلکه هدف این است که با چند زیر ساخت اخلاقی و چند مورد اخلاق اسلامی آشنا شویم و اصل موضوع را با گوش جان بشنویم.

با تدبّر در آیه ۸۳ سورۀ قصص، بگوئید که برای بهشتی شدن چند شرط تعیین شده است.

از آیه زیر می‌توان فهمید که تواضع و پاکی مؤمنان (به عنوان دو اخلاق والا و برجسته)، حاصل ایمان آنها به قیامت است.

«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»<sup>۱</sup> فرقان، ۶۳

بندگان خاصِ خدای مهربان کسانی هستند که در زمین با فروتنی و دور از غرور راه می‌روند و هنگامی که نادانان آنها را مورد خطاب قرار دهند، به گونه‌ای ملایم و مسالمت آمیز جواب می‌دهند.

قرآن رفتار نرم و عاطفی پیامبر را هم حاصل رحمت خدا می‌داند:

«فَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ فَطًّا غَلِيظًا لَقَدْ لَفَّضُوا مِنْ حَوْلِكَ» آل عمران، ۱۵۹

در پرتو رحمت خداست که تو با آنان [که سر از خطّ فرمان کشیده بودند] نرمش نمودی و اگر درشت‌خوی و سنگدل بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شدند.

جان کلام این است که باور عمیق به توحید و قیامت، نرم‌خویی و خوش‌قلبی و در نهایت خوش‌سخنی را به دنبال دارد و معنای عمیق پشتوانه‌دار بودن اخلاق اسلامی، همین است.

با توجه به آیه ۶۳ سورۀ فرقان بنویسید که ترک کردن کسی که برخوردش مناسب نیست، چه مزیتی بر مقاومت و درگیر شدن با او دارد.

## چند ستون اساسی در ساختار اخلاق اسلامی

با مطالعه قرآن متوجه می‌شویم که اخلاقِ خوبِ مؤمن با چند پشتوانهٔ محکم<sup>۲</sup> تقویت می‌شود. در واقع، این پشتوانه‌ها اکسیرهای<sup>۳</sup> با ارزشی هستند که کیمیاگرانه داشته‌های وجودی انسان عادی را به

۱- توجه کنید که در شریعت اسلامی دو نوع سلام وجود دارد: ۱- سلام ملاقات، ۲- سلام خداحافظی. منظور از سلام در این آیه، سلام دوم است؛ یعنی بندگان خوب خدا صحنهٔ نزاع و درگیری با جاهلان را رها می‌کنند. گرچه ممکن است برای ما ایرانی‌ها سلام دوم چیز عجیبی باشد؛ چون در ایران از کلمهٔ «خداحافظ» یا «خدانگهدار» استفاده می‌شود.

۲- جز اعتقاد به توحید و قیامت

۳- قدما (گذشتگان) به دارویی که درمان تمام امراض بود، در اصطلاح اکسیر می‌گفتند. اکسیر در واقع جوهری آمیخته و گدازنده بود که ماهیت اجسام را تغییر می‌داد و مثلاً نقره و مس را طلا می‌کرد (این ماده اساساً وجود نداشت و وجود ندارد) اما براساس آن اعتقاد، در ادبیات فارسی به هر راه حل و اندیشهٔ زیر بنایی فعال و بویا و یا هر آنچه بسیار مفید است، اکسیر می‌گویند.

طلای ناب تبدیل می‌کند.

## ۱- بیداری و یقظه

اگر قرآن را با تأمل مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم که این کتاب روح پرور حاوی شش موضوع اصلی است. یکی از این موضوعات، توصیف طبیعت و جلوه‌ها و نعمات نهفته در آن است. اندیشه در صنع زیبای خداوند بذر حب او را در دل انسان می‌کارد و در نهایت، باغ وجود انسان را گلستانی از عمل صالح و اخلاق زیبای اسلامی می‌کند. قطرات زیبای باران که به امر خداوند به طبیعت طراوت و زیبایی می‌بخشد و با نغمه مخصوص خود جان‌ها را می‌نوازد و میوه‌ها و ثمرات رنگارنگ را به بار می‌آورد، تنوع رنگ خاک و سنگ کوهستان‌ها (رنگ‌های سفید، قرمز، سیاه و... خطوط کوه‌ها) مردمان رنگین پوست (سیاه، سفید، سرخ و زردپوست)، چهارپایان متنوع و جنبندگان رنگارنگ (پروانه‌ها، پرندگان، چرندگان، و درندگان متنوع) مگر صفحاتی از کتاب پر رمز و راز زندگی نیستند؟

چرا نباید در این کتاب جذاب نگرست<sup>۱</sup> و چرا انسان کتاب آسمانی ترسیم‌کننده این آیه‌های زمینی را تلاوت نکند تا سر سجود برآستان خدای بدیع السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ نهد و با خلق خدای، خوش خوی و خوش اخلاق گردد و در نهایت، در بهشت خداوند کارنامه قبولی دریافت کند و برای همیشه و تا ابد، در بهشت پر صفای پروردگارش با نیکان و عزیزان خدا دمساز گردد و بیاساید. قرآن از انسان‌های غافلی که در نمایشگاه جذاب هستی از کنار آیات آسمان و زمین می‌گذرند و با ناسپاسی راه اعراض و بی‌توجهی را در پیش می‌گیرند، انتقاد می‌کند:

«وَكَايْنِ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ.» یوسف، ۱۰۵

و چه زیادند آیات خداوند در آسمان‌ها و زمین، که غافلان از کنارشان می‌گذرند و در موردشان تأمل

و اندیشه نمی‌کنند و آنها را نادیده می‌گیرند.

قطعاً کسی که به خدا و آیاتش بی‌اعتناست، به‌طور طبیعی در مقابل خوبی‌ها و خدمات پاک پدر و مادر و خانواده، ناشکری و ناسپاسی می‌کند. او به راحتی می‌تواند در مقابل خوبی‌های مردم بی‌مهری و ناسپاسی کند؛ بنابراین، ذکر خداوند و تفکر در آیات و نعمات او ملکه<sup>۲</sup> شکر و سپاسگزاری را، که از

۱- ترسیمی از آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فاطر

۲- ملکه یکی از اصطلاحات علم اخلاق است. به صفتی راسخ و جای گرفته در وجود انسان که تغییر یا برداشتن آن تلاش و رنج و زمان بخواهد، ملکه گویند. ملکه در وجود انسان دو نوع است: ۱- ملکه خیر (صفات نیکو و پسندیده)، ۲- ملکه شر (صفات زشت و ناپسند). قرآن ملکه خیر را «استقامت» و ملکه شر را «اصرار» می‌نامد.

منجیات<sup>۱</sup> اخلاقی است، در انسان ایجاد می‌کند.

گام اول در پیدا کردن اخلاق نیکو همین یقظه (بیداری) و فکر و ذکر است. قرآن در موارد متعدد انسان را به یقظه دعوت می‌کند و به او می‌گوید بیدار شو. شما با ارزش هستی؛ شما جاودانه‌ای و قیمت شما بهشت است. در نمایشگاه پر فر و شکوه هستی غافلانه حرکت نکن. به آیات خدا با اندیشه نگاه کن و به وجود خود بیندیش.

## ۲- تخلیه و رهایی از مهلکات

اکنون که بیدار شده‌ایم، لازم است وجودمان را از آلودگی‌هایی که تجربه کرده‌ایم، پاک کنیم. خداوند ما را پاک آفریده است اما خطاها، تأثیرات محیط، وسوسه‌های شیطانی و نفسانیات، وجودمان را به مهلکاتی مبتلا کرده‌اند که ابتدا باید آنها را بشناسیم و با جدیت خویش، خود را از آنها پاک کنیم. اگر در منزل با ناسپاسی با پدر و مادر برخورد می‌کنیم، اگر در جمع دوستان تندخو هستیم، اگر با مردم منصف نیستیم و در تعاملات اجتماعی حق و عدالت را رعایت نمی‌کنیم، باید خود را از این اخلاق‌های ویرانگر دور کنیم.

## آشنایی با چند مورد از مهلکات

در علم اخلاق، به ناهنجاری‌های رفتاری «مهلکات» می‌گویند، این ناهنجاری‌ها به این سبب که زندگی و حیات ایمانی را نابود می‌کنند، مهلکات نام گرفته‌اند. علمای علم اخلاق، تکبر، حسد، فساد و تباهی و بی‌رحمی را از بزرگ‌ترین انواع مهلکات به حساب می‌آورند. لازم است هر کدام از موارد بالا را به اختصار بررسی کنیم.

**الف) تکبر :**

روزی رسول خدا ﷺ با صحابه رضی الله عنهم درباره فرجام بد تکبر صحبت می‌فرمودند. فردی از صحابه عرض کرد: «انسان دوست دارد لباسش خوب و کفش‌هایش زیبا باشد.» پیامبر فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ الْكِبْرُ بَطْرُ الْحَقِّ وَ غَمَطُ النَّاسِ»<sup>۲</sup>؛ خداوند زیباست<sup>۳</sup>، زیبایی را دوست دارد. تکبر

---

۱- به عقیده یکی از بزرگ‌ترین صاحب نظران اخلاق اسلامی (امام محمد غزالی رحمه الله)، منجیات (نجات‌دهندگان) به اخلاق پسندیده‌ای می‌گویند که موجب نجات ابدی فرد متخلق و آراسته به آن می‌شود. در مقابل، امام غزالی به اخلاق ناپسندی که موجب هلاکت و بدبختی انسان می‌شود مهلکات (نابود کننده‌ها) می‌گوید.

۲- مسند احمد ۴۴۳۶، سنن الترمذی ۱۹۹۸، سنن ابو داود ۹۱۸۰، صحیح مسلم ۹۱، سنن ابن ماجه ۵۹. این حدیث به گونه‌ای بسیار زیبا تصویری جامع از تکبر را ترسیم می‌کند.

۳- در تفسیر کلمه جمیل برای خدا شارحان حدیث گفته‌اند، کار خدا زیباست، نام‌های زیبا و نیکو دارد و دارای صفات کمال و جمال است.

انکار حق و سبک شمردن مردم است و یکی از زشت‌ترین اخلاق‌ها به‌شمار می‌رود. قرآن در بحث خلقت می‌فرماید که شیطان تکبر کرد<sup>۱</sup>.

پیامبر و صحابه بزرگوارش از تکبر بسیار دور بودند. در تاریخ آمده است که وقتی اسبی جوان را به امیرالمؤمنین عُمَرُ رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ هدیه کردند، از سوار شدن به آن امتناع نمود و در جواب دوستانش که به این کار اصرار می‌کردند، فرمود: «این اسب زیبا و جوان است. می‌ترسم با سوار شدن به آن دچار تکبر گردم.»

#### تدبّر در حدیث

با تدبّر در حدیث پیامبر ﷺ بگوئید چرا انکار حق، بر تحقیر مردم (در تعریف تکبر)، مقدم شده است.

**گستره تکبر:** تکبر انسان‌ها در مقابل هم، زمینه‌های متفاوتی دارد و شایع‌ترین انواع آن عبارت‌اند از: تکبر در زمینه محل ولادت<sup>۲</sup>، زبان، نژاد، تکبر در زمینه جایگاه طبقاتی (ثروتمند و فقیر)، مشهور و غیر مشهور، تکبر جنسیتی و حتی تکبر دینی<sup>۳</sup>.  
راه درمان تکبر این است که انسان به اصل خلقت بنگرد و مرگ را از یاد نبرد و فراموش نکند که تمام نعمت‌ها از خداست. ضمناً دعا کردن و درخواست تواضع از خدا هم اکسیری بسیار کارا و موفق است.

#### ب) حسد:

در علم اخلاق، تلاش برای به‌دست آوردن کمالات دیگران، غبطه نام دارد و غبطه یکی از انواع ارزش‌هاست، اما تلاش برای نابود کردن خوبی‌ها و کمالات مردم، حسد نامیده می‌شود. حسادت نوعی تنگ نظری و کم ظرفیتی است و اولین قتلی که در زمین انجام شد در پی حسادت بود.<sup>۴</sup>

۱- خوب است بدانید که حسد به آدم عَلَيْهِ السَّلَام و در پی آن سربیزی از خداوند و تکبر در مقابل قدر و منزلت آدم عَلَيْهِ السَّلَام سه موردی بود که موجب هلاکت شیطان شد.

۲- بحث‌های شهری و روستایی، شهرستانی و پایتختی بودن و...

۳- چه بسا کسانی که به‌سبب داشتن جایگاه علمی (در دین) و عبادت (با مصادیق مختلف آن) به تکبر دینی مبتلا می‌شوند. به قول حافظ:  
تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است      راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش

۴- اولین گناهی که در آسمان انجام شد، حسادت ابلیس به آدم بود.



حسادت بیماری خطرناکی است که روح و روان و آسایش فرد حسود را به خطر می‌اندازد (همان ضرب‌المثل معروف حسود هرگز نیاбуд) و در صورت عملی شدن افکار فرد حسود، آرامش کسی هم که مورد حسد قرار گرفته است، به خطر می‌افتد. فرد حسود در واقع انسان جسوری است که معترض اراده و حکمت خداوند و در مواردی تلاش فرد مورد حسادت است.

حسود از خیر خواهی به دور است؛ در حالی که خلاصهٔ دین خیرخواهی است. حسادت گاهی به کفر می‌انجامد؛ چنان که قرآن از قول کافران نقل می‌کند که به پیامبران می‌گفتند: آیا بشری ما را هدایت می‌کند؟ (که در بشر بودن مثل ما است.)

**درمان حسادت :** برای درمان حسادت، توجه به چند نکته لازم است :

- ۱- ما هم نعمت‌هایی داریم که دیگران ندارند.
- ۲- دنیا کوتاه و گذراست؛ غصه خوردن برای آن ارزش ندارد.
- ۳- حسادت، حقارت است؛ چرا خودمان را حقیر کنیم؟
- ۴- کسی که نعمت بیشتری دارد، وظیفه و تکلیف بیشتری هم دارد. (همان ضرب‌المثل «هر که بامش بیش برفش بیشتر.»)

- ۵- باید بدانیم که حسادت، خود آزاری است (البته در صورت دست به عمل زدن، به دیگر آزاری هم تبدیل می‌شود). خود آزاری و دیگر آزاری بهتر است یا آرام بودن و آسایش؟
- ۶- دعا بهترین داروست.

صحابه به جای حسد ورزیدن، از خوبی‌های دوستانشان تعریف می‌کردند و آنها را ستایش می‌نمودند. عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه با وجود اینکه خود ثروتمند و اهل سخاوت بود، همیشه از سخاوت امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه تعریف می‌کرد.

**ج) فساد و تباهی :**

خروج از اعتدال را (چه کم و چه زیاد) فساد می‌گویند. نقطهٔ مقابل فساد، صلاح<sup>۱</sup> است. فساد در انسان این است که به جای طلب حلال به دنبال حرام باشد. به همین سبب اموری مانند دزدی، اختلاس، گناهان جنسی و تعرض به جان، مال، آبرو و دین مردم را فساد می‌گویند. امروزه فاسدان

---

۱- کسی را که به فساد مبتلا شده است، فاسد و فردی را که اعتدال اخلاقی دارد، صالح می‌گویند. کلمهٔ فساد در مورد قلب و روح، بدن و حتی اشیاء خارج از اعتدال، به کار می‌رود. مثلاً روح و روان مهاجم و پرخاشگر را می‌توان فاسد نامید؛ چون از اعتدال خارج شده است یا عضوی زخمی را که متعفن شده است، می‌توان فاسد نامید؛ چون از حالت اعتدال بیرون رفته است. در مواد غذایی هم شیری که ترشیده شده، فاسد است؛ چون حالت اعتدال و باکی را از دست داده و دگرگون شده است.

فناوری را در خدمت فسادشان به کار گرفته‌اند و از طریق رسانه‌ها و سایر وسایل موجود، فساد را ترویج می‌کنند؛ آن را تزیین می‌کنند و عادی جلوه می‌دهند.

متأسفانه ادبیات و هنر را هم فاسدان تخریب می‌کنند و با این دو موهبت و نعمت، مخاطبان را از جاده اعتدال خارج می‌سازند.

راه مقابله با فساد، یقظه و تخلیه است. باید بیدار باشیم و با توکل به خدا و اراده و هوشیاری، در مسیر اعتدال حرکت کنیم و اگر احیاناً از جاده صواب خارج شدیم، با استغفار و توبه بار دیگر به این جاده برگردیم.

پاکی و پاک بودن و ادب در برابر خدا در هر سن و سالی ارزش دارد، اما در جوانی بسیار ارزش‌تر است و به قول اقبال لاهوری :

آبروی گل ز رنگ و بوی اوست      بی‌ادب، بی‌رنگ و بو، بی‌آبروست  
نوجوانی را چو بینم بی‌ادب      روز من تاریک می‌گردد چو شب<sup>۱</sup>

در نوجوانی و جوانی باید همیشه در فکر تخلیه باشیم و به محض مبتلا شدن به بدی‌ها وجود خود را از آنها پاک کنیم. شکی نیست که فساد و تباهی آبروی انسان را نزد خود انسان نیز می‌برد.<sup>۲</sup>

(د) بی‌رحمی :

یکی از مهلکات بسیار خطرناک، بی‌رحمی است و لازمه حیات قلب انسان، رحم است. وقتی شخص و جامعه بی‌رحم می‌شوند، هر نوع جرم و جنایتی آسان می‌گردد، امنیت نمی‌ماند و روز آرام انسان، به شبی سرد و تاریک تبدیل می‌شود.

امروزه بی‌رحمی به بیماری مسری، خطرناک و شایعی تبدیل شده است. نظام سرمایه‌داری برای حفظ پول و ثروت و سرمایه، جان انسان‌ها را حقیر می‌کند. افراد زیادی مهارت، ثروت و علم خود را با بی‌رحمی به جان مردم انداخته‌اند و جز سود شخصی، هیچ چیزی را مهم و هیچ‌کس را محترم

---

۱- جاویدنامه، اقبال لاهوری

۲- آبرو اصطلاحی بسیار زیباست، گل زمانی شاد و خرم است که آبی در رو و وجودش مانده است و همین که این آب از بین می‌رود، خشک و پژمرده می‌شود و می‌ریزد. پاکی و مقاومت در مقابل پلیدی‌ها، آبروی انسان است و زندگی واقعی انسان وابسته به این اعتبار و آبروست. امروزه باید با هوشیاری بیشتر عمل کنیم. باید در آسمان زندگی شاهین وار پرواز کنیم؛ چون کرکس بودن بی‌آبرویی است :

کرکسان رارسم و آیین دیگر است      سطوت پرواز شاهین دیگر است

کرکسان گرداگرد مردارها می‌چرخند و فرد فاسد، کرکس وار خود را در تباهی‌ها غرق می‌کند. شاهین وجود انسان بلندپرواز است و محل سکونتش قله کوه‌ها و غذایش پاک‌ترین غذاهاست.

نمی‌دانند. آنها با این روش، خود را هم از رحمت زمینیان (انسان‌ها) و هم از دعای آسمانیان (ملائکه) محروم می‌کنند. پیامبر رحمت چه زیبا فرمود: «الْزَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ، إِرْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكُم مِّنْ فِي السَّمَاءِ»<sup>۱</sup>؛ خدای مهربان به مهربانان رحم می‌کند. به اهل زمین رحم کنید تا اهل آسمان به شما رحم کنند.

باید در همین اوان جوانی بیدار شویم و قساوت قلب را از خود دور کنیم. قساوت و بی‌رحمی حاصل تحلیلی بسیار اشتباه است و آن تحلیل اشتباه این است که دنیا را میدان جنگ (و نه نمایشگاهی پر از لطف و صفا) بدانیم.

باید با یقظه و بیداری دریابیم که :

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی	نشاید که نامت نهند آدمی <sup>۲</sup>

### ۳- تحلیل

تحلیله در لغت به معنای آراسته شدن است و در اصطلاح علم اخلاق، آراستگی فرد مؤمن به اخلاق و اعمال نیک را تحلیله می‌گویند.

در این مرحله از خودسازی، انسان در پی آن است که ظرف وجود خود را از چیزهای پاک پر کند، ذاکر شود، خیرخواه گردد، مهربان شود و مهر بورزد، راه عبادت و بندگی و اخلاص در پیش گیرد و تا جایی که می‌تواند به دیگران خدمت کند؛ گرم و صمیمی به همگان سلام کند و با همه به نیکویی سخن گوید. چون :

حرف بد را برب آوردن خطاست	کافر و مؤمن همه خلق خداست
آدمیت، احترام آدمی	با خبر شو از مقام آدمی <sup>۲</sup>

با احترام با همگان برخورد کند و برای افراد سالمند احترام ویژه‌ای قائل باشد. همچنین رحمتش

۱- سنن ترمذی ۱۹۲۴، مسند امام احمد ۲۴۶۵، سنن ابو داود ۴۹۴۱

۲- گلستان سعدی باب اول در سیرت پادشاهان؛ سعدی این شعر را از حدیث زیر گرفته است :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : مَثَلُ الْمُؤْمِنِ فِي تَوَاضُعِهِ وَ تَرَاحُمِهِ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ نَدَّاعِيَ سَائِرِهِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى.

رسول خدا ﷺ فرمود: مَثَلِ مؤمنان در مهرورزی و دلسوزی به هم، مانند یک تن است که چون عضوی از آن بیمار شود، همه آن دچار بی‌خوابی و تب گردد (صحیح بخاری ۶۰۱۱، مسند امام احمد ۱۸۳۵۵، صحیح مسلم ۲۵۸۶).

۳- اقبال لاهوری، جاوید نامه.

نسبت به فقرا و ضعیفان، بیشتر از دیگران باشد.

ارزش اهل علم را بداند، و حتی در مورد حیوانات هم رأفت ایمانی را رعایت کند. اینها همه تحلیه هستند و زیبایی وجود انسان پس از یقظه و تخلیه با تحلیه صورت می گیرد. صحابه پیامبر ﷺ در دوره مدنی طوری در زمینه تحلیه کار کرده بودند که همگان در خودسازی با یکدیگر رقابت می کردند.

#### ۴- تجلیه

تجلیه در لغت به معنای جلا دادن و شفاف نمودن است و در اصطلاح علم اخلاق به مرحله ای از خودسازی گفته می شود که مؤمن متخلق به اخلاق اسلامی، با اخلاص بیشتر و رفع کاستی ها، اخلاق و رفتار زیبایش را نیکوتر می کند و جلا می دهد. توصیف ضرار، دوست امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ، از رفتار و عبادت آن بزرگوار تصویری گویا از تجلیه است. او می گوید: «شبی علی ﷺ را دنبال می کردم که وارد مسجد شد. می خواستم عبادتش را بنگرم. علی ﷺ شروع به نماز خواندن کرد. می گریست و خود را مورد خطاب قرار می داد. گاهی با دنیا صحبت می کرد و می گفت: ای دنیا، برو دیگران را فریب ده. علی به نعمت های فانی و لذت های گذرا، کاری ندارد. عمر تو کوتاه است و...»<sup>۱</sup> در این نوع مناجات زیبا امیرالمؤمنین علی ﷺ می خواهد درون خود را در محضر خدایش صیقلی کند و تواضع دینی و تربیتی درونی اش را به اوج برساند.

تجلیه با تواضع، استغفار و رفع نقص و کاستی عبادات و اخلاق نیک صورت می گیرد. هر چه دقت انسان در اخلاص بیشتر شود، اعمال و اخلاقش جلای بیشتری می یابد.<sup>۲</sup>

#### اندیشه و تحقیق

- ۱- درباره آثار و نقش استغفار در مقابل خداوند و عذرخواهی از مردم (به هنگام خطا و اشتباه) بیندیشید و توضیح دهید.
- ۲- در مورد کتاب مدارج السالکین و احیاء علوم دین تحقیق کنید. برای تکمیل تحقیق خود، کتاب معاصری را پیدا کنید و روش تربیتی آنها را به بحث و گفت و گو بگذارید.

۱- کتاب خلفاء النبی اثر خالد محمد خالد.

۲- مراقبه، مشارطه، و محاسبه از دیگر مراحل خودسازی هستند که امیدواریم دبیران گرامی و دانش آموزان عزیز در کلاس در این باره با هم به گفت و گو بنشینند.

